



حفاظت از خشونت در آلمان



کتاب رهنمود برای پناهندگان و مهاجرین تازه وارد

تمويل شده توسط:



Die Beauftragte der Bundesregierung
für Migration, Flüchtlinge und
Integration

**Ethno-
Medizinisches
Zentrum e.v.**



Impressum

Gewaltschutz in Deutschland – Ratgeber für geflüchtete und neuzugewanderte Männer

Herausgeber:

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Königstraße 6, 30175 Hannover

Konzeption, Inhalt, Erstellung:

Duale Hochschule Baden-Württemberg Villingen-Schwenningen (DHBW)

– Institut für Transkulturelle Gesundheitsforschung

Ethno-Medizinisches Zentrum e.V. (EMZ e.V.)

– MiMi Integrationslabor Berlin (MiMi Lab)

Förderung: Beauftragte der Bundesregierung für Migration, Flüchtlinge und Integration

Projektleitung: Ramazan Salman (EMZ e.V.), Prof. Dr. Dr. Jan İlhan Kizilhan (DHBW)

Redaktion: Prof. Dr. Dr. Jan İlhan Kizilhan, Claudia Klett, Ahmet Kimil, Laura Przybyla,

Anne Rosenberg, Ramazan Salman, Andreas Sauter, Silvio Schelle

Layout und Satz: eindruck.net

Übersetzung: Dolmetscherdienst – Ethno-Medizinisches Zentrum e.V.

Bildquellen: Umschlagbild [iStock.com/BijoyVerghese](https://www.iStock.com/BijoyVerghese)

Seite 2: [iStock.com/IG_Royal](https://www.iStock.com/IG_Royal) · Seite 8: [iStock.com/KatarzynaBialasiewicz](https://www.iStock.com/KatarzynaBialasiewicz)

Seite 15: [iStock.com/lathuric](https://www.iStock.com/lathuric) · Seite 18: [iStock.com/tomozina](https://www.iStock.com/tomozina)

Seite 27: [iStock.com/nanmulti](https://www.iStock.com/nanmulti) · Seite 30: [iStock.com/BrianAJackson](https://www.iStock.com/BrianAJackson)

Alle Rechte vorbehalten. Das Werk ist urheberrechtlich geschützt. Jede Verwendung in anderen als den gesetzlich zugelassenen Fällen bedarf deshalb der vorherigen schriftlichen Genehmigung durch den Herausgeber.

Diese Publikation können Sie jederzeit über die Webseiten „www.mimi-gegen-gewalt.de“ oder „www.mimi-bestellportal.de“ in folgenden Sprachen anfordern: Deutsch, Albanisch, Arabisch, Bulgarisch, Dari, Englisch, Farsi, Französisch, Kurdisch (Kurmanji), Paschto, Russisch, Serbisch/Kroatisch/Bosnisch, Türkisch

خوانندگان عزیز،



هر انسان حق اینرا دارد تا آزاد، مستقل، بدون ترس و خشونت زندگی کند. این پروژه در سراسر آلمان «جلوگیری از خشونت با مهاجرین برای مهاجرین» که این رهنمود را به نشر میرساند، فعالیت خود را درین راستا تقویت میبخشد.

این پروژه مردان را که سرگذشت از مهاجرت دارند حمایت نموده و آموزش میدهد تا بتوانند به عنوان میانجی در باره قوانین و مقررات زندگی باهمی (باهم زندگی کردن) معلومات بدهند و همچنان بطور فعال از خشونت جلوگیری کنند. کار میانجی ها (یا Mediator) مهم است، زیرا کسانی که به آلمان پناه آورده اند و یا مهاجرت کرده اند با یک سلسله چالش ها مواجه اند: در یک کشور جدید مسیر زندگی خود را پیدا کردن و قوانین و عادات کشور میزبان را شناختن کاری ساده و آسان نیست. اکثریت چیزها در ابتدا عجیب و غریب معلوم میشود، بعضی چیزها غیر قابل فهم. اینجاست که میانجی ها دست به کار شده تا در باره حقوق وضاحت داده و پیشکش های حمایتی و همکاری را معرفی کنند. میانجی ها از تجربه خود میدانند که ورود به یک محیط نو، داخل شدن به یک محیط بیگانه چقدر میتواند چالش برانگیز باشد. به ویژه هنگامیکه تجارب از صدمه های روانی نیز شامل باشد. میانجی ها با کار خود کمک قابل ملاحظه را برای یک ورود خوب و زندگی خوب در آلمان انجام میدهند.

این رهنمود کنونی سوالات مهمی را جهت جلوگیری از خشونت مطرح میکند. در صفحات ذیل اصول و مقررات قانونی برای حفاظت از خشونت ارائه گردیده و راه های رهایی از خشونت نیز نشان داده شده است. این رهنمود مربوط میشود به پناهندگان و مهاجرین تازه وارد، همچنان به تمام افرادی که در جلوگیری از خشونت فعالیت میکنند و باهمکاری شان برای یک زندگی باهمی صلح آمیز، عاری از خشونت در کشورمان کار میکنند.

با احترام

Annette Widmann-Mauz

Annette Widmann-Mauz انیته ویدمن-ماوتز، وزیر امور شهری در کابینه صدر اعظم آلمان و کمیشنری فدرال آلمان برای مهاجرین، پناهندگان و ادغام.



4..... مقدمه

6..... ۱. خشونت چیست؟

کدام نوع خشونت بین فردی (میان اشخاص) وجود دارد؟ | خشونت موجود بین افراد در کجا صورت میگیرد؟ | خشونت کدام عواقب ها را برای افراد متضرر (آسیب دیده) در قبال دارد؟ | عواقب برای اطفال

14..... ۲. چی زمانی یک عمل خشونت پنداشته میشود؟

ارزش ها و نورم ها به عنوان توجیه برای خشونت | تغییر در طرز برخورد (فکر و احساس) در جهت خشونت | ارزش ها و سنت ها در مهاجرت چی اهمیتی دارد؟
اساسات و مقررات قانونی در آلمان | انحصار دولت در رابطه با خشونت در آلمان

24..... ۳. چرا خشونت وجود دارد؟

قیدوشرط اساسی اجتماعی - خشونت و قدرت | کدام اعتقادات خشونت را توجیه میکنند؟
خشونت های فرهنگی و مذهبی | فرهنگ خشونت | علت های روانی برای رفتار های خشونت آمیز
عواقب (پیامد ها) برای مجرم - آیا کسانی که از خشونت کار میگیرند مریض میشوند؟

32..... ۴. راه های بیرون رفت از خشونت

من چی متوانم در مقابل خشونت انجام دهم؟ | از کجا کمک گرفته میتوانم؟ |
امکانات مشوره | روان درمانی | کورس ها برای پرورش عاری از خشونت

36..... لغاتنامه

40..... آدرس های تماس انتخاب شده

این کتاب رهنمود برای چی کسانی است؟

خشونت در تمام کشور های جهان رخ میدهد، اما به اشکال و حالات مختلف و اندازه های مختلف. همچنان امکانات و طریقه های حفاظت از خشونت از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است. این کتاب رهنمود جهت سهولت در مورد موضوعات مربوط به خشونت شما را کمک میکند. و در زمینه های حفاظت و امکانات همکاری معلومات میدهد، به طور مثال رفتار خشونت آمیز خود و دیگران را شناسایی کرده و کاهش میدهد. این رهنمود ارتباط میگیرد به کسانی که به این موضوع علاقه میگیرند و افراد که از خشونت متاثر شده اند به عنوان قربانی و یا مجرم میشناسند و یا میخواهند که رفتار و سلوک محترمانه با یکدیگر داشته باشند. مخصوصاً در مورد رفتار محترمانه با همسر زندگی و یا داخل خانواده مطرح بحث میشود.

این رهنمود به طور خاص برای پناهندگان و مهاجرین تازه وارد تهیه شده است.

مردان و زنان به اشکال مختلف و اندازه های متفاوت از خشونت متاثر هستند و به اشکال مختلف از خشونت کار میگیرند. همچنان برخورد با تجربه های از خشونت و پیامد های آن از هم فرق دارند. از همین سبب این معلومات برای مردان و زنان مهم میباشد. برای زنان پناهنده و مهاجرین تازه وارد یک رهنمود علحیده وجود دارد.

درین رهنمود در ضمن، شرایط خاص از پناهنده گان و مهاجرین تازه وارد ملاحظه میشود، که آنها در کشورها و یا جامعه ای بزرگ شده اند که در آنجا به اشکال و اندازه های مختلف، خشونت، اما همچنان درک از خشونت در روابط و یا خانواده و یا محیط شدیداً متفاوت تر از وضعیت در آلمان است.

محتویات این رهنمود چیست؟

قبل از اینکه در مورد حفاظت از خشونت صحبت گردد، این مهم است تا واضح شود که خشونت یعنی چی؟ این محتویات از فصل ۱ میباشند. خشونت میتواند اشکال و اندازه های کاملاً متفاوت داشته باشد. یک طبقه بندی میتواند کمک کند به فهمیدن، تمام چیزهای که به خشونت مربوط میشود. خشونت درین ارتباط پیامدهای متفاوت به متضرر دارد. برای حفاظت از خشونت و کمک برای کسانی که خشونت را تجربه کرده اند موثر میباشد تا پیامدهای ممکنه شناسایی شود. بعضی اوقات مشکلات صحتی بعد از خشونت هیچگاهی به خشونت ربط داده نمیشود؛ بجز از عواقب واضح، چرا که این بسیار مهم است، تا از خشونت جلوگیری گردد.

در فصل دوم واضح میشود، که استفاده از خشونت توجیه شده میتواند، بطور مثال اگر مردم ازین طریق محافظت شوند. چی وقت خشونت قانونی و یا غیر قانونی میباشد از یک کشور تا کشور دیگر متفاوت است. این ارتباط میگیرد نه تنها به ارزشهای جامعه مربوطه، بلکه اما لیکن به شکل و قانون جامعه. همچنان میتواند نوع آن از یک شخص تا شخص دیگر متفاوت باشد، آنچه به عنوان خشونت و آنچه به عنوان رفتار عادی پذیرفته شده میباشد. برای محافظت در برابر خشونت مهم است که شناخت از خود شخص و شناخت از جامعه که شخص در آن زندگی میکند داشته باشیم. که حقوق مربوطه قوانین شامل آن میشود.

برای اینکه بدانیم چرا بین انسانها خشونت وجود دارد مهم است که به شرایط اجتماعی و توزیع اجتماعی قدرت نگاهی بیندازیم. این در فصل ۳ مورد بحث قرار میگیرد. با توجه به هر فرد میتواند فشارهای روانی و یا بیماریهای روانی علت خشونت برای اعمال خشونت آمیز باشد. نظر به علت و شرایط روشهای متفاوت نیاز است که خشونت را کاهش دهد.

در فصل ۴ توضیح داده میشود، اشخاص متضرر به کی میتوانند مراجعه کنند، زمانیکه آنها قربانی خشونت میشوند. نقطه تماس برای اشخاص که، خشونت را انجام میدهند و میخواهند ختم کنند، نامیده میشود.

۱. خشونت چیست؟

شامل تهدیدهای زبانی و ترساندن نیز است. نقاط مشترک برای تمام رفتارهای خشونت آمیز این است که میتواند برای سلامت فیزیکی و روانی یک و یا چندین شخص پیامد های خطرناک داشته باشد و یا منجر به مرگ او شده میتواند.

همزمان امروز بصورت کل تحت عنوان خشونت « کمبود اعتماد به نفس » یک شخص نیز فهمیده میشود. این بدین معنی است که یک شخص در تصمیم گیری درباره اینکه، چگونه او میخواهد زندگی خود را برنامه ریزی کند، محدود است. این میتواند از طریق مردم، و همچنان از طریق مقررات خاص در تأسیسات یا انستیتوتها و یا از طریق ساختارهای قدرت نا برابر در جامعه تحقق پیدا کند. جهت حفاظت دوامدار در مقابل خشونت باید روابط اجتماعی نیز مد نظر گرفته شود.

درین کتاب راهنما قرار ذیل در نخست روی خشونت بین افرادی بحث میشود، همچنان زمانیکه خشونت توسط یک و یا چندین اشخاص صورت میگیرد.

خشونت یک خطر برای سلامتی و گاهی هم برای زندگی انسانهاست. ازین سبب سازمان صحت جهان با این موضوع درگیر است. آنها در گزارش جهانی از سال ۲۰۰۳ به خشونت و سلامت قرار ذیل اشاره میکنند.

استفاده قصدی از تهدید و یا اجبار جسمی واقعی یا قدرت فیزیکی علیه خود و یا شخص دیگر و یا در مقابل یک گروه؛ اجماع یا بطور خاص با احتمال آسیب های بیشتر منجر به مرگ، آسیب های روانی، اختلالات رشد و یا محرومیت میشود.

یعنی خشونت شامل نقاط ذیل نیز میشود

- رفتارهای مضر که شخص در مقابل خود انجام میدهد (مثلا صدمه زدن به خود و یا خودکشی).
- خشونت که توسط یک و یا چندین شخص اجرا میشود (بطور مثال بدرفتاری در خانواده، حمله توسط شخص ناشناس، و یا حمله در مکتب و یا محل کار).
- استفاده از خشونت از طریق گروه های بزرگ مانند حکومت ها، نظامیان، و یا ارکان های تروریستی، با اهداف سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی بخاطر منافع شان اجرا میگردد. (بطور مثال درگیری های مسلحانه، نسل کشی، نقض کامل حقوق بشر و یا تروریزم).
- رفتار خشونت آمیز به اساس سازمان صحت جهان نه تنها شامل آسیب های جسمی میباشد بلکه

* اصطلاحات در متن به شکل حروف کج نشانی شده است.

کدام نوع اشکال خشونت بین فردی وجود دارد؟

خشونت بین فردی میتواند اشکال کاملاً متفاوت داشته باشد:

- **خشونت جسمی (« فیزیکی »)**
بطور مثال: زدن، لگد زدن، حمله توسط هر نوع اشیا، کشیدن مو، سیلی زدن، فشار دادن، خفه کردن، تکان دادن، سوختاندن و داغ کردن.
 - **خشونت روانی («روحي»)**
بطور مثال: توهین، بصورت دوامدار چیزی را اصلاح کردن، ذلیل ساختن، تحقیر و مسخره ساختن (نیز در محضر عام) باج گیری، تهدید نمودن (مثال یک شخص که یا به خود و یا به کودکان صدمه برساند، و یا اینکه کودکان را با خود ببرد)
 - **خشونت جنسی**
بطور مثال: برخلاف میل خود شخص به رابطه جنسی مجبور نمودن. تجاوز جنسی، مجبور به تن فروشی کردن و یا برای عکاسی و یا فلم برداری در جریان عمل جنسی مجبور ساختن.
- به خصوص در بخش های خصوصی بر علاوه اشکال خشونت قرار ذیل وجود دارد.

- **خشونت اجتماعی**
بطور مثال: کنترل دوامدار، ممانعت از تماس با دیگران، ممانعت از سهم گرفتن در یک کورس زبان، ممانعت از بیرون شدن از خانه، تحمیل نمودن ارزش ها و نورم ها برخلاف خواسته های شخص
- **خشونت مالی**
بطور مثال: ایجاد وابستگی مالی، ممانعت از کار کردن و یا آموزش حرفه ای، کنترل پول قابل دسترس به تنهایی

خشونت بین فردی در کجا صورت میگیرد؟

خشونت بین فردی در جاهای مختلف وزمینة های متفاوت رخ میدهد:

- **در محضر عام**
بطور مثال: در بس های شهری و یا قطار شهری، در دسکوتیک
 - **در اقامتگاه ها**
بطور مثال: در اقامتگاه های عمومی، در انجمن ها، در محل کار و یا در مکتب
 - **در بخش های خصوصی (حریم خصوصی)**
بطور مثال از طریق اعضای خانواده، خویشاوندان و یا دوست ها
 - **خشونت بین شریک های رابطه یا بزرگسالان و یا شریک های رابطه قبلی صورت میگیرد.**، پس همچنان از «خشونت خانگی» صحبت میشود. در اینجا عمدتاً خانم ها تحت تاثیر قرار میگیرد یعنی متاثر میشوند. در آلمان از چهار زن یکی از آنها در طول زندگی خود حد اقل یکبار قربانی خشونت شده اند، که از طریق همسر و یا همسر قبلی صورت گرفته است.
- راه های محافظت از خود به اساس محل و مکان متفاوت میباشد. یک رابطه و یا یک وابستگی به شخص که خشونت را انجام میدهد موجود میباشد، بطور مثال به معلم، منیجر و یا در خانواده، پس این مشکل است که خود را در مقابل خشونت محافظت نمایم نسبت به اینکه در مقابل یک شخص نا شناخته.

خشونت چی پیامد ها برای فرد متضرر دارد؟

پیامد های خشونت برای فرد متضرر بسیار متفاوت بوده میتواند. از یک طرف خشونت تحمیل شده متفاوت میباشد، و از طرف دیگر عکس العمل هر شخص متفاوت میباشد. این نیز بستگی دارد به اینکه فرد متضرر چقدر حمایت از طرف خانواده خود، از طریق دوستان و یا از طریق اشخاص دیگر بدست میآورد.

میتواند یک فرد در مورد تجربه خشونت با شخص دیگری صحبت کند و آگاه شود مثلاً با شوهر یا خانم و یا با دوست دختر یا دوست پسر، پس این به روند صحت‌مندی و شفایابی کمک میکند.

علاوه بر این پیامد های جدی خشونت برای شخص متضرر وجود دارد. بخصوص پیامد های خشونت در داخل خانواده جدی میباشد طور که در حریم شخصی به وقوع میپیوندد، که درحقیقت باید آنجا امن باشد. درینجا خشونت توسط فرد قابل اعتماد صورت میگیرد، که درحقیقت آنها باید پشتیبانی و حفاظت از فرد نمایند.

در اکثر موارد خشونت خانگی، مردها مجرم و زن ها متضرر میباشند. همیشه همراهی شخص متضرر کودکان میباشد.

خشونت خانگی یک چیز شخصی نیست، بلکه یک جرم است.



خشونت برای افراد متضرر پیامد های کاملاً متفاوت در بخش های مختلف زندگی دارد. بعضی پیامد های آن قابل دید هستند و بعضی قابل دید نیستند. بعضی پیامد های آن بطور مستقیم بعد از خشونت، و بعضی یک ماه بعد و یا یک سال بعد ظاهر میشود. ازین سبب گاهی می تواند مشکل باشد که تجربه خشونت منعیث علت برای پیامد ها تشخیص گردد.

پیامد ها بر سلامتی

آسیب های شایع در بدن عبارت اند از :

- گاهی شکستگی استخوانها، آسیب ارگان های داخلی، خونریزی داخلی، آسیب های مغزی (مثلا در اثر ضربه به سر و یا افتیدی بعد از ضربه زدن) زخم های که به مشکل صحت یاب میشود، و جای زخم ها (بطور مثال بریدگی ها، سوختگی و جراحات ناشی از مواد کیمیایی) التهابات و کاهش قدرت بینایی و شنوایی).
- در تجاوزهای جنسی، یعنی مقاربت جنسی به زور، علاوه بر زخم ها و خونریزی های معقدی، درد های دوامدار در مقاربت جنسی، التهاب مثانه و گردنه ها، امراض مقاربتی و میکروب های که سبب نا باروری میشود، نا توانی جنسی (در دخترها و خانم ها به اثر سقط جنین، حمل های نا خواسته و زخم ها و خونریزی های مهملی و غیره)

بعضی ازین آسیب ها و مریضی های جسمی میتوانند شفا یابد، برای آن مراقبت های صحی بسیار مهم میباشد.

آسیب های سلامتی از طریق خشونت نه تنها بر بدن بلکه به روح و روان هم صدمه میرساند. «روان»

پیامد های شایع برای صحت روانی («روح») عبارتند از:

- اختلالات خواب، حالات اضطراب (دست و پاچه شدن و یا ترس از مرگ در شرایط بدون خطر، ترس از ترک کردن آپارتمان و یا اتاق)، سردردی، دلبدی، بی اعتمادی بزرگ بالای اشخاص ناشناس، افسردگی، غم بزرگ، نا امیدی، شرم و احساس گناه، مرور به گذشته (تکرار کردن دوباره تجارب خشونت در افکار خود) پرخاشگری و خشم، اعتیاد به مواد مخدر و یا دوا ها (بطور مثال داروی ضد درد)، افکار خودکشی و یا اقدام به خود کشی

به خصوص در خشونت جنسی اغلب افزود میشود:

- نفرت از بدن خود، نفرت از تمایل جنسی، رفتار های جنسی خشن، از دست دادن احساس و لذت جنسی تا اختلال عمل کرد جنسی

مخصوصاً پیامد های روانی نه تنها همیشه با تجربه خشونت ارتباط داده نمیشود بلکه به عنوان بی کیفیاتی و ضعف خود شخص شمرده میشود. این میتواند احساس بی ارزشی خودی را قوی و معالجه را مشکل سازد. این میتواند همچنان اتفاق بی افتد که خانواده و یا دوستان ازین موضوع نفهمند و این رفتار را مورد انتقاد قرار دهند و یا هم فشار وارد کنند. این نیز میتواند روند شفایابی را به مشکل مواجه سازد.

مانند بسیاری از آسیب های جسمی که به تداوی طبیی و مراقبت ضرورت دارد تا اینکه بتواند صحت یاب شود ، همچنان آسیب های روانی نیز به تداوی و مراقبت ضرورت دارد. برای تداوی مسلکی آسیب های روانی روانشناسان، روانکاو ها آموزش دیده اند. این موضوع محرمانه باقی میماند، چیزی که با شما بحث و گفتگو میگردد ، به شخص دیگری گفته نمیشود (به فصل ۴ نگاه کنید، راه بیرون رفت از خشونت)

پیامد های خانوادگی و اجتماعی

انسان ها موجودات اجتماعی و به ارتباطات اجتماعی وابسته میباشند . بطور مثال اینها خانواده، دوستان و آشنایان ویا همکاران شما هستند. اگرچه ،خشونت بین افرادی اکثرا توسط افراد که دریک محیط اجتماعی هستند صورت میگیرد. به ندرت فرد متهم بیگانه میباشد. خشونت برای اشخاص متضرر سپس همچنان پیامد های بزرگ اجتماعی دارد.

جدایی از خانواده ویا محیط اجتماعی
بطور مثال خشونت در روابط زناشویی از طریق جدایی ویا طلاق خاتمه داده میشود ،میتواند برعلاوه سبب جدا شدن از خانواده گردد. همیشه وابستگان از قربانیان در مقابل خشونت مخصوصا زمانیکه خانم ها هستند حمایت نمیکنند. در برخی از موارد مجرم حمایت میشود ، بصورت اغلب زمانیکه آنها مردها باشند.

این مربوط میشود به آن حدس وگمان که کی در یک رابطه کدام حقوق را دارد .قربانیان خشونت برعلاوه تنهایی ،احساس گناه ومشکلات مالی را نیز تجربه میکنند .پدر یا مادر توسط والدین ویا خانواده جدا میشوند که درین میان کودکان همیشه رنج میبرند. که درنتیجه یک قسمت از هویت خود را از دست میدهند.

این گونه میتوانید کمک کنید

شاید شما انسان های را بشناسید که در خانواده ویا دایره دوستان ، رفتار عجیب و غریب داشته باشد ویا رفتار آنها تغییر کرده باشد. شاید شما انسان های را بشناسید که آنها پرخاشگر ویا به سرعت تحریک پذیراند ویا اینکه ناگهان از تماس جلوگیری میکنند ویا عقب نشینی میکند .این میتواند ناشی از تجربه خشونت باشد. اینجا میتواند کمک کند ،که این رفتار به شکل قصدی مد نظر گرفته نمیشود ، بلکه به صفت بیان آسیب های روانی تلقی میشود . این میتواند کمک کند ، به آرامی با این اشخاص تماس را نگاه داریم ویا آنها را جستجو کنیم ، بدون اینکه به آنها فشار وارد کنیم.

تأثیر خانواده

فشار اجتماعی از طریق توقعات که خانواده ویا محیط اجتماعی در رفتار شخص میگذارد، بوجود میاید. این توقعات در میان چیزهای دیگر به جنسیت ارتباط میگیرد. پس درین باره حدس و گمان های خاصی وجود دارد که چطور یک مرد و چطور یک زن (همزمان یک پسر و یک دختر) باید رفتار کند، چپی کار درست و چپی کار اشتباه تلقی میگردد. حدس ویا گمان این که مردان در رفتار خود دارند این است که باید به ایده، قوی، محافظ ویا سرپرست خانواده مثل مرد رفتار کنند.

در برخی از موارد این باعث میشود که پسران ویا مردان توسط خانواده مجبور به انجام خشونت گردند، بطور مثال با ایده های برای محافظت از «خانم» خانواده.

مردان قربانی خشونت میشوند، این میتواند اتفاق بیافتد که دیگر آنها این انتظارات را بیشتر برآورده ساخته نمیتوانند بخاطر که آنها خودشان به کمک وحمایت ضرورت دارند. که این میتواند منجر به کشمکش یا جدایی از خانواده ویا محیط اجتماعی شود. قسمیکه متضرر خودش این را رد میکنند. در عین زمان، کسی که از خشونت رنج میبرد از گمان یک مرد قوی مخصوصا در خشونت های جنسی قربانی ها اغلبا یک شرم بزرگ واحساس گناه میکنند وازین رو نمیتوانند تجربه خشونت خودرا با دیگران یا شخص مورد اعتماد در میان بگذارند.

خشونت که برای مدت طولانی تحمیل میشود میتواند منجر به گوشه گیری قوی از محیط اجتماعی گردد. این میتواند منجر به از دست دادن اعتماد به نفس شخصی شود. اعتماد به امنیت شخصی

قربانیان خشونت فرقی نمیکند که او مرد ویا زن باشد، هیچ وقت گنهکار ویا جوابگو برای خشونت که بالایشان صورت گرفته است نیستند.

خود را از دست میدهند. ارزش های شخصی از بین میرود. جهان به حیث یک تهدید تجربه میشود. این مشکل است که به کار بروند.

پیامد های خانوادگی جدی و اجتماعی میتواند منجر شود، که شخص متضرر ترجیح دهد که عواقب ناگوار صحتی را به عهده بگیرد و تجربه خشونت تحمل شده را پنهان نماید وحتی بیشتر تحمل نماید.

کمک از مراکز مشوره دهی

مراکز مشوره دهی برای قربانیان خشونت درین حالات همچنان کمک های حرفوی را پیشکش مینماید. که آنجا پیامد های خشونت مورد بحث قرار گرفته وامکانات حمایتی جستجو میگردد. شخص متضرر همیشه خودش تصمیم میگیرد که کدام کمک ها را میخواهد بگیرد، آیا او میخواهد نزد پولیس شکایت درج کند. در روند مشوره دهی هیچ کس برای تجربه های خشونت ویا تصمیم هایش رد نمیشود بلکه با شخص متضرر همیشه احترام میشود و با او آگاهانه برخورد میشود. و در این جا حریمیت از طرف مشاور حفظ میشود. و مشاور مرد و مشاور زن اجازه ندارند که صحبت های شما را به کسی دیگر انتقال دهد.

پیامد ها برای کودکان

کودکان همچنان قربانی خشونت میشوند، و پیامد های آن در بسیاری بخش ها مشابه به پیامد ها نزد بزرگسالان میباشد. کودکان همچنان آسیب های جسمی و روحی را تحمل میکنند. ازینرو برخوردها میتواند بسیار متفاوت باشد. بعضی کودکان بسیار آرام و گوشه گیر و بعضی از آنها به زودی عکس العمل های خشن از خود نشان می دهند و به آسانی حساس میشوند. این میتواند نیز اتفاق بی افتد، که کودکان کوشش میکنند خود را آشکار سازند تا بالای والدین خود فشاری وارد نکند.

چیزی که به کودک کمک میکند تا در مورد تجربه خشونت صحبت گردد، آموزش و پرورش با محبت و حمایت پدر و مادر است.

برای اطفال همچنان خشونت بین پدر و مادر («خشونت خانگی») پیامد های ناگواری دارد. حتی اگر کودکان خودشان لت و کوب و توهین و تحقیر و تجاوز نشوند، بلکه فقط نزاع و جنگ بین پدر و مادر را اگر ببینند و یا بشنوند و یا به شکل غیر مستقیم متوجه شوند. پیامد های روانی به همان اندازه جدی میباشد که گویا خود کودک بطور مستقیم قربانی این خشونت باشد.

- احساس بی ارزشی از خود
- نا امیددی در مورد ضعف پدر یا مادر، تشدید درماندگی خود، احساس درماندگی همچنان در دیگر حالات از زندگی
- بدتر شدن انجام کار های مکتب (مدرسه)

بخصوص در خشونت های خانگی و خشونت های جنسی پیشکش های کمکی زیادی وجود دارد، که مخصوصا به زن های متضرر در نظر گرفته میشود بخاطریکه در اکثر موارد ، قربانیان خشونت های جنسی و خانگی زنان هستند. به اساس منطقه برای مردان متضرر همچنان پیشکش های تخصصی وجود دارد.

پیشکش های حمایتی نیز برای مردان که خشونت گر هستند وجود دارد، و میخواهند بیاموزند تا بطور محترمانه با دیگر انسان ها رفتار کنند و یا بدون خشونت با مشکلات کنار بیایند (فصل ۴ را ببینید، راه های بیرون رفت از خشونت).

کودکان از این طریق دچار یک تضاد روانی بزرگ میشوند. بسیاری از آنها اجازه نمیدهند که والدین خشونت گر خود را برای خشونت انجام شده شان رد کنند، بلکه گناه را در خود جستجو میکنند و از خود متنفر میشوند. بسیاری از کودکان به آرامی وسکوت خشونت را تحمل میکنند، چرا که نمیخواهند، که خانواده را از هم بپاشند. یا والدین تحت فشار قرار بگیرند، تا چیزی بگویند.

کودکان که مدت زمان طولانی از خشونت رنج میبرند، سپس میتوانند منجر به اختلال در رشد شخصیتی آنها شود. این بدین معنی است، که شخصیت آنها در بزرگسالی نیز آسیب دیده است، با وجود اینکه مدت زمان طولانی از خشونت گذشته است. بیماری های روانی مانند «اختلال شخصیت مرزی» و یا اختلال شخصیتی اجتناب ناپذیر میتواند از پیامد های آن باشد.

هرگاه شک بوجود بیاید که یک طفل خشونت را از توسط والدین اش تجربه میکند، پس باید بسیار محتاطانه اقدام شود تا فشار و خشونت توسط والدین تشدید نشود. یک مشوره در یک مرکز مشوره دهی و یا کمک تلففونی در برابر خشونت (به فصل چهارم نگاه کنید، راه های بیرون رفت از خشونت) میتواند کمک کند، امکانات کمک که در آن کودک به بهترین شکل محافظت شود مورد بحث قرار میگیرد.

- پشتیبانی مجرم، بخاطریکه نقاط قوی آنها اشتباهها به عنوان امنیت درک میشود.
- به عهده گرفتن رول الگو برای مردان و زنان کودکان که خشونت خانگی را تجربه کرده اند، به ندرت خودشان به متخلف (مجرم) و یا قربانی در روابط های آینده شان مبدل نمیشوند.
- بار مسولیت شخص رازدار: والدین اغلبا کودکان را از صحبت کردن با بیگانه ها در مورد خشونت میان والدین ممنوع میکنند، برای اینکه مجرمین در دادگاه محکمه شده میتوانند. برای کودکان اکثراً این فشار بزرگ است، آنها احساس گناه میکنند و نمی توانند کمک بگیرند.
- آسیب های روانی جدی: کاملاً محو شدن و تجربه سرکوب شدن میتواند منجر به گوشه گیری از اجتماع و در بدترین حالت سبب خود کشی گردد.

کودکان به حیث قربانیان خشونت توسط والدین

جدی ترین پیامد ها برای کودکان اینست، زمانیکه خشونت بالای آنها مستقیماً توسط والدین و یا بستگان نزدیک شان صورت میگیرد. این اعتماد به دیگر انسانها برای کودکان به شدت صدمه میبیند، زیرا تنها افرادی که از آنها مراقبت میکنند و بایست آنها را محافظت کنند، به آنها خشونت میکنند. آنها در خانه های خودشان دیگر امنیت ندارند، بلکه آنجا محل درد و رنج برایشان است، کودکان به سختی میتوانند از آنجا فرار کنند.

۲. چي زماني عملي به عنوان خشونت تلقی ميگردد؟

ارزش ها و استندردها به عنوان توجیه يا اثبات بيگناهی برای خشونت

در برخی مناطق ويا کشورها رفتار خشونت آميز با وجود پيامدها و عواقب خطرناک آن برای قربانی از طرف فاميل ويا اجتماع تحميل ميشود. آنها در اين خصوص به عنوان عمل نورمال تلقی ميگردد و مجازات نميشوند. گاهی اوقات آنها از طريق آداب و رسوم سنتی ويا از طريق قانون دولتی حتی تحميل و مشروع (قانونی) اعلان ميگردد.

مثالها:

- در بعضی کشورها مردها حق قانونی دارند، که کنترل تصاميم اقتصادی همسران خورا داشته باشند. خانم ها فقط تحت شرايط خاص اجازه دارند که کار کنند و برای خود پول بدست بياورند. (خشونت مالی)
- آداب و رسوم سنتی در برخی از مناطق اينرا تقاضا میکند، تا نزد دختران قسمت های کامل از بدن قطع گردد، به عبارت ديگر کليتوریس (قطع کردن یک بخش از آلت تناسلی خانم ها) و يا لب های اندام تناسلی. قطع کردن اندام های تناسلی خانم ها خشونت است. (خشونت جسمی)
- در برخی کشورها بازداشت های خودسرانه وجود دارد که یک قسمت آن توسط اعضای پوليس ويا استخبارات تحت توقیف قرار گرفته، تحقير و شکنجه شده و بلاخره مورد خشونت قرار ميگیرند و هيچ راهی برای بيگناهی در محکمه برايشان وجود ندارد. (خشونت جسمی و روانی)

بعضی اوقات رفتارهای خشونت آميز با وجود پيامدهای شديد برای خانواده ويا اجتماع تحمل ميشوند، مجازات نميشوند، ويا نورمال پنداشته ميشوند. گاهی از طريق سنت ها ويا قوانين دولتی مطرح ميشوند و به صفت قانونی در نظر گرفته ميشود. هنگامی که خشونت توجیه ويا لازمی شمرده ميشود، از یک کشور تا کشور ديگر و بترتيب از یک اجتماع تا اجتماع ديگر وابسته به ارزش ها و استندرد های مربوطه متفاوت ميباشد.

علاوه بر اين پذيرش پايه و اساس خشونت از یک جامعه تا جامعه ديگر متفاوت ميباشد، در آلمان به عنوان یک جامعه مدرن خشونت تنها در احکام يا ماموريت دولتی اجرا ميگردد، آنهم در صورت که شانس ديگری برای تغير خشونت وجود نداشته باشد. (در فصل پايين نگاه کنيد « انحصار دولت در مورد خشونت در آلمان »). که درين زمينه ها آدم حرف از خشونت نه، بلکه از قدرت و صلاحيت اجرايی ويا اقدامات پوليس ميزند. آنها بايد خطر را رفع کنند و جرم های جنایی را جلوگیری کنند. در آلمان پوليس ها بايد از قوانين مجاز برای اجرای اقدامات (اقدامات پوليس) پیروی کنند.

در تمام موارد ديگر خشونت قابل مجازات است. هدف اين است که بدین ترتيب در طولانی مدت بيشترين کاهش خشونت را داشته باشيم.

مربوطه، بطورمثال: با حدس و گمان اینکه، چگونه یک مرد و یا یک زن رفتاری را داشته باشد و یا چی ارزش های را کودکان در مقابل بزرگسالان داشته باشند. همچنان حدس و گمان که تفاوت های در ارزش انسان ها وجود داشته باشد، به اساس تعلقات قومی و مذهبی موجب خشونت گردد.

این ارزش های اجتماعی در طول زمان تغییر میکند مانند شیوه زندگی، و همچنان ارزش و سنت های یک اجتماع با گذشت زمان تغییر میکند. با آن نیز توسعه حقوق و قوانین مربوطه یک کشور مربوط میشود.

• در برخی کشورها، مرد حق دارد از طریق مراسم ازدواج رابطه جنسی با خانم خود، هر وقت که بخواهد داشته باشد. خانم فرصت این را ندارند، که درین باره تصمیم بگیرند، که آیا او درین لحظه رابطه جنسی را میخواهد و یا خیر. رابطه جنسی که برخلاف خواسته خانم به وقوع میپیوندد یک تجاوز جنسی است، که در آلمان مجازات میشود. (خشونت جنسی). البته این نیز شامل آنها می باشد که حتی اگر هر دو با هم ازدواج هم نکرده باشند.

از جامعه به جامعه، گاهی نیز از خانواده به خانواده، این پس متفاوت است که چی زمانی خشونت توجیه میگردد و چی وقت خشونت اشتباه پنداشته میشود. این ارتباط میگیرد به ارزش ها و سنت های

کودکان حق آموزش و پرورش
عاری از خشونت را دارند.



تغییر در نگرش (فکر و احساس) در جهت خشونت

در آلمان ۵۰ سال قبل معلمان زن و معلمان مرد این حق را داشتند، تا دانش آموزان را جهت تربیه و پرورش با یک چوب بزنند. از سال ۱۹۷۳ بدینسو از نظر قانونی ممنوع شده است. از سال ۲۰۰۰ کودکان طبق پراگراف § ۱۶۳۱ ماده قانون مدنی (BGB) حق تعلیم و تربیه عاری از خشونت را در کانون خانواده دارند. در نسل های والدین شان بخصوص والدین بزرگ شان جزا (مجازات) جسمی در چارچوب خانواده هنوز هم معمول بود.

موازی به آن ارزش ها در تعلیم و تربیه اطفال تغییر میکند. در نسل پدرکلان ها و مادر کلان ها اطاعت و سازش بسیار مهم بود. خشونت به عنوان مجازات برای قانون های پیروی ناشده توجیه می شد، تا باشد کودکان با قوانین آشنا شوند و قانون را مراعات کنند. آسیب های جسمی و روحی به صورت اندک در نظر گرفته و یا پذیرفته میشد.

امروز کودکان باید محفوظ بزرگ شوند و به خوبی رشد کنند. سازگاری به ستندرد های موجوده اولویت ندارد، بلکه انکشاف شخصیت خود کودک اهمیت دارد. این همچنان از افکار دیموکراسی حمایت میکند. یک کودک امروز حق قانونی دارد.

« حق جهت بهبود انکشاف و تعلیم و تربیه اش برای یک شخصیت مسئول و اجتماعی توانا»
(قانون امور اجتماعی — § VIII SGB 1 Artikel 1)
ماده ۱).

با وجود تغییر در ارزش ها و در قوانین، باز هم اتفاق می افتد که والدین کودکان خود را با خشونت فیزیکی و روانی مجازات کنند. بطور مثال از طریق سیلی زدن، زدن و یا تحقیر اتفاق می افتد. مشکل در کجاست؟ در تعلیم و تربیه کودکان همیشه درگیری (نزاع) ها و یا حالاتی بوجود میآید، که در چنین مواقع بر کودکان باید حد و مرز تعیین گردد. چنین شرایط میتواند برای والدین استرس زا باشد. هرگاه اگر والدین خودشان به عنوان کودک در چنین شرایطت و کوب شده باشند، امکان دارد، که در حالات استرس آنها ناخواسته چنین رفتار مشابهی را در مقابل اطفال یا کودکان خود انجام دهند.

شاید آنها هیچ الگوی برای آن نداشته باشند، که چگونه با چنین حالت بدون خشونت برخورد کرده بتوانند. شاید آنها میخواهند نیز پایبند ارزش های قدیمی باشند، بخاطر اینکه فکر میکنند، « به من هم آن آسیب نرسانده است». در زمینه تعلیم و تربیه کودکان برای آنانیکه می خواهند تعلیم و تربیه باحرمت، بدون مجازات خشونت آمیز بیاموزند کورس های مختلف و پیشکش های حمایتی وجود دارد. (به فصل چهار نگاه کنید، راه های بیرون رفت از خشونت)

تغییرات اجتماعی، که برای کاهش خشونت ضروری اند، اغلب با پروسه های آموزشی برای مردم در ارتباط اند. بعضی اوقات آنها همچنان نیاز به تمایل برای یک ملاحظه و تغییرات در ارزش های خود دارند.

ارزش ها و سنت ها در مهاجرت چی اهمیتی دارد؟

به عنوان انسان ما در دوران کودکی نه تنها زبان انسانهای را که در اطراف ما اند، بلکه نیز چگونگی رفتاری آنها را یاد میگیریم. بطور مثال مردان و خانم ها، جوانان و کهن سالان در زندگی شخصی یا در محضر عام. این شامل افرادی نیز است که خشونت را ممکن در مقابل کسی انجام داده اند. اکثراً ما در محیط خانواده خود میآموزیم. این آموزش بصورت خودبه خودی صورت میگیرد، بدون اینکه درین راستاً کوشش کنیم و بدون اینکه متوجه آن شویم. اصطلاح مسلکی آن «اجتماعی شدن» نامیده میشود.

درست همانطور که ما میتوانیم زبان مادری مانرا بدون آموختن قواعد گرامری آن صحبت کنیم، بنابراین ما میتوانیم در وطن خود نیز بصورت «درست»، بدون اینکه قوانین هم زیستی را آموخته باشیم رفتار کنیم.

اگر ما در یک کشور دیگر قرار داشته باشیم، نه تنها باید زبان را از نو، بلکه قوانین هم زیستی (باهم زندگی کردن) را نیز بیاموزیم. بطور مثال: چطور من با یک شخص احوال پرسی کنم، چطور من باید در ملاقات با دیگران به وقت و وعده تعیین شده حاضر شوم، و یا این به چی معنی، هنگامیکه یک خانم خارجی با من حرف بزند. آیا من این قوانین هم زیستی را نمی شناسم، میتواند اتفاق بی افتد که مرا اشتباه درک کنند و یا مرا تحویل نگیرند، بدون اینکه بدانند چرا.

ممکن است اتفاق بی افتد، که من بی ادبانه رفتار کنم، با وجود اینکه میخواهم مودبانه رفتار کنم. حتی ممکن است اتفاق بیفتد که من با رفتارم قانون را نقض کنم، بدون اینکه بدانم یا بخواهم. اولین بار در یک کشور خارجی از این سبب معمولاً خسته کننده و دلگیر است. اما فرصت های را هم فراهم میکند تا رفتار خود را که بطور خود به خودی آموخته ایم تجدید نظر کنیم، و طرز رفتار های جدید را بشناسیم، بیاموزیم و امتحان کنیم.

چیز های بیشتری را میتوان از طریق مشاهده و تقلید آموخت. برای اینکه درین زمینه کمک گردد، تا قوانین همزیستی در آلمان را بیاموزیم، پیشکش های مختلفی نیز وجود دارد. بطور مثال کورس های زبان، کورس های ادغام مهاجرین، معلومات در سایت های انترنتی و یا خدمات اجتماعی در یک اقامتگاه. در صورت عدم اطمینان و یا شک و تردید امکاناتی وجود دارد تا درین مورد سوال گردد. اگر طرز رفتار فهمیده نشد، میتواند یک گفتگو با شخص دیگر کمک کند، بطور مثال با افراد و اشخاص هموطن تان، که مدتی زیادی را در آلمان زندگی کرده باشد، و یا با دوستان و همکاران آلمانی.

دانستن قوانین همزیستی یک گامی مهم تراست تا در یک کشور بتوانیم به خوبی سازگار شویم. همزمان احتمال زیاد وجود دارد که اینجا قوانین و طرز رفتار های وجود داشته باشد که در ابتدا نا آشنا محسوس میشد. اینجا مهم است تا در نظر بگیریم و یا بپرسیم که این رفتار (سلوک) ممکن چی معنی را میتواند داشته باشد. اغلباً ازین طریق طرز رفتار میتواند قابل فهم و پذیرفته شود.

مثال:

اگر فردی در یک گفتگو به چشمان شخصی نگاه نکند، در ابتدا ممکن به عنوان نشانه‌ از بی ادبی تلقی گردد، با وجود اینکه میتواند نشانه‌ از احترام باشد.

اگر قوانین اجتماعی «اشتباه» محسوس گردد، ممکن به دلیل این باشد که ارزش های کشور جدید با ارزش های آموخته شده ای خود شخص متفاوت باشد. این میتواند تصور و گمان درین مورد باشد، که چی حقوقی را بطور مثال مردان، خانم ها، کودکان، والدین و یا همچنان اعضای مناهب خاص و یا گرو های قومی دارند.

با ارزش ها و حقوق اجتماعی نیز ارتباط میگیرد که چه کسی در مقابل فردی از خشونت کار گرفته میتواند. بدین معنی، همچنان اگر در صورت امکان رفتار های بخصوصی به عنوان رفتار مشروع محسوس گردد، ممکن است بدین ترتیب قوانین در آلمان نقض شده باشد و حتی مجازات تهدید کند. ازینرو مهم است که قوانین و حقوق آلمان را بدانیم، تا بصورت ناخواسته قانون شکنی نکنیم. برعلاوه آسانتر است تا خود و دیگران را محافظت کنیم، زمانیکه اگر حقوق خود را بشناسیم.



بعضی اوقات حتی ما نمی دانیم که ما ارزش های آموخته شده ای خاصی داریم، بخاطریکه ما این را اکثرأ نا دیده و نا دانسته آموخته ایم. بعضی اوقات ما حتی نمیدانیم کدام ارزش های شخصی خاص را داریم، بخاطراینکه به نظر ما طبیعی و نورمال است. اگر ما در یک کشور دیگر زندگی میکنیم، مهم است که ارزش های خود و همچنان ارزش های همان کشور را بشناسیم. اغلباً تفاوت ها هم کمک میکند تا در باره ارزش های خود و ارزش های بیگانه فکر کنیم و یا تبادل نظر و بحث کنیم.

اساسات و مقررات قانونی در آلمان

حقوق اساسی در قانون اساسی در آلمان (ماده ۱-۱۹) حکم میکند. حقوق اساسی بطور مثال عبارتند از

- حق زندگی و آسودگی جسمی (ماده ۲ پاراگراف ۲)
- حقوق مساوی مردان و زنان (ماده ۳، پاراگراف یا بند ۲)
- حفاظت در برابر تبعیض بر اساس جنسیت، اصل و نسب، نژاد، زبان، میهن و زادگاه، عقاید، عقاید مذهبی و سیاسی و یا معلولیت (ماده ۳، پاراگراف ۳) و
- حق آزادی عقیده، وجدان و آزادی اعترافات مذهبی و فلسفی (ماده ۴، بند ۱).

قانون اساسی کامل را میتوان در صفحه اینترنت مشاهده کرد.

www.bundestag.de/grundgesetz به زبان آلمانی.

ترجمه این قانون اساسی به زبان های عربی، چینیایی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، فارسی، پولندی، روسی، صربی، اسپانیایی، و ترکی دریافت میگردد. بطور مثال در صفحه اینترنتی www.bamf.de/SharedDocs/Anlagen/DE/Publikationen/Broschueren/das-grundgesetz.html قانون اساسی بر علاوه محتویات کورس های ادغام نیز میباشد.

در قانون جزا (StGB) مشخص شده، که کدام اعمال ممنوع است و با کدام مجازات در محکمه (دادگاه) میتوانند مکافات گردند.

قانون مجازات نیز شامل اعمال در حریم شخصی (خصوصی) میباشد، پس در چارچوب خانواده و یا در زندگی های مشترک، بطور مثال همچنان در تمایل جنسی.

چنین میگوید: «پاراگراف ۱۷۷ حمله جنسی، اجبار جنسی، تجاوز جنسی

(۱) کسیکه برخلاف خواسته های محسوس یک شخص اقدام به تجاوز جنسی نماید و یا مرتکب گردد و یا این شخص را به تعهد یا تحمل اعمال جنسی مجبور سازد و یا توسط شخص ثالث تصمیم بگیرد، محکوم به حبس از شش ماه الی ۵ سال زندان میگردد.»

این مقرارت قانونی همچنان برای زوج های متاهل قابل اجرا میباشد. این بدین معنی است که هر دوشخص در مقاربت های جنسی (رابطه های جنسی) باید توافق داشته باشند، حتی در ازدواج هم. با این حال مردان و زنان از نگاه حقوقی مساوی اند. هیچ ادعایی در گرایش یا تمایل جنسی وجود ندارد، که از اراده شخص دیگر اقدام جنسی و یا اعمال جنسی انجام شود. شریک زندگی مرد یا زن نباید تحت فشار قرار گیرد. بدینگونه باید توافق جانبین در باره جسم شان، و در ضمن در باره صحت جسمی و روانی شان محافظت گردد.

از سال ۲۰۱۶ بدینسو آزاد و اذیت جنسی در آلمان نیز مجازات دارد. در آن بطور مثال: به زور بوسه کردن، و یا لمس کردن، دست زدن به قسمت های بدن، سینه، سرین، شامل میگردد، زمانیکه این اعمال برخلاف خواست شخص متضرر باشد. و بصورت مصلحت جنسی انجام شود. (نگاه کنید به پاراگراف §184 iStGb)

این اتفاقات در اماکن عمومی مانند، روی جاده ، همچنان در محل کار نیز رخ میدهد. شخص متضرر درینجا اغلباً غافلگیر میشود. شخص متخلف میخواهد نشان دهد که او بالای شخص متضرر کنترل و قدرت دارد.

قربانی اغلب چنین حالات را تحقیر آمیز و توهین آمیز تجربه میکند.

برای مقاربت جنسی بزرگسالان (از سن ۱۸ به بعد) با کودکان و نوجوانان (زیر سن ۱۸ سال) مقررات قانونی دیگری وجود دارد. اینجا متواند رابطه جنسی (سکس) نیز با وجود توافق کودک و

نوجوان مجازات در پی داشته باشد. بطور مثال عبارت اند از:

- اعمال جنسی به /با کودکان زیر ۱۴ سال همیشه قابل مجازات است (§176 StGB)
- اعمال جنسی توسط سرپرستان (بطور مثال، خویشاوندان، معلمان) هم چنان با نوجوانان زیر ۱۶ سال همیشه قابل مجازات میباشد.
- اعمال جنسی نیز به /با نوجوانان تا سن ۱۸ سالگی مجازات میشوند، هرگاه رابطه وابستگی به اعمال جنسی مورد سو استفاده قرار گیرد.

درینصورت از «سو استفاده جنسی» صحبت میشود.

برای کودکان و نوجوانان قوانین خاصی وجود دارد، زیرا آنها به آسانی تحت تاثیر بزرگسالان قرار میگیرند و یا به دلیل وابستگی تحت فشار قرار میگیرند. در ضمن گمان میرود که کودکان و نوجوانان باید در قدم نخست بیاموزند، که نیازمندی هایشان و محدودیت هایشان از لحاظ گرایش های جنسی یا رابطه جنسی بشناسد.

در مورد ازدواج در قانون جزایی واضح شده است که ازدواج اجباری در آلمان ممنوع است. چنین گفته شده است «§ ۲۳۷ ازدواج اجباری (۱) هرگاه فردی شخصی را غیر قانونی با خشونت و یا با جبر با یک حس بدی مجبور به ازدواج کند، با حبس از ۶ ماه الی پنج سال مجازات میگردد. این عمل غیر قانونی است، هرگاه از خشونت و یا تهدید برای هدف مورد نظر به عنوان قابل تحسین استفاده گردد.»

در بند های دیگر پاراگراف § ۲۳۷ چنین آمده

است، که این همچنان قابل مجازات میباشد، زمانیکه یک شخص را برای ازدواج اجباری از خارج آلمان بیارید، و تلاش برای انجام چنین جرمی نیز مجازات میگردد.

این قانون مکمل جزایی در اینترنت قابل دسترس است، در صفحه انترنتی

www.gesetzeim-internet.de/stgb/index.html

(به زبان آلمانی)، و در صفحه انترنتی

gesetze-iminternet.de/englisch_stgb/index.html

(به زبان انگلیسی)

داستان ها در مورد تجاوز جنسی به زنان

تا به امروز هنوز قضاوت های زیادی در رابطه به این موضوع وجود دارد. بعضی مردان و نیز زنان، زنانیکه خشونت را تجربه کرده اند و از آن گذارش میدهند مقصر میدانند. اغلباً گفته میشود که، خانم اشتباه رفتار میکرد و یا می بایست دعوا و مشاجره کند. این مهم است تا بدانیم که زنان از ترس میلرزند، زمانیکه به آنها تجاوز میشود. دفاع از خود میتواند زن را هنوز در خطر بزرگتر قرار دهد. یک «نه» ساده بر اساس قانون کافیتست.

یک زن هیچوقت تقصیر ندارد، اگر یک مرد بالای او تجاوز کرده باشد! رفتار یا برخورد آنها قبل و یا در جریان تجاوز و پرسش در مورد گناه نقشی را بازی نمیکند. پس بطور مثال: چی لباس های را او میپوشد و آیا او شب به تنهایی جای میروود. متخلف همیشه گناهکار است.

همچنین اشتباه است، که متخلف همیشه بیگانه است: اکثراً تجاوزها توسط افراد نزدیک به زندگی شخصی آن زن انجام میشود.

همچنین اشتباه است که یک زن یک مرد را تهمت کند که به او تجاوز کرده است، یعنی به او می خواهد آسیب برساند و به او تهمت دروغین بزند. به اساس گذارش پولیس اتهامات دروغین بسیار به ندرت است. چنین اتهامات دروغین تقریباً در ۳ فیصد تمام واقعات رخ میدهد. در اغلب موارد تجاوز های جنسی در ابتدا به پولیس گذارش داده نمیشود، یعنی در حدود ۹۰ فیصد واقعات. این بخاطر اتفاق می افتد که اغلباً زنان ترس دارند، شخص به آنها اعتماد نمیکند و یا شرم میکند تا در باره این عمل صحبت کند.

منبع: مطالعات نمونه ای وزارت فدرال برای خانواده ها، بزرگان، خانم ها و نوجوانان

www.bmfsfj.de/blob/84328/0c83aab6e685eeddc01712109bcb020b/langfassung-studie-

frauenteil-eins-data.pdf

یک قانون مهم دیگر که در آن حقوق و وظایف مدنی بطور کلی تعریف شده است، قانون مدنی (Das Bürgerliche Gesetzbuch BGB) است.

این شامل دیگر قوانین و مقررات در مورد قرار داد های خرید، قرضه ها، کرایه، اجاره و یا ارث می باشد. در بخش چهارم این قانون مدنی نیز حقوق و وظایف خانواده ها تعریف شده است، این در باره تعلیم و تربیه قانونی بین والدین و اطفال و همچنان خویشاوندان می باشد.

چنین در قانون مدنی به عنوان مثال تعریف شده است، کدام شرایط برای ازدواج باید وجود داشته باشد و در کدام موارد میتواند یک ازدواج لغو گردد.

از ماه جولای سال ۲۰۱۷ مقررات قانونی قابل اجرا می باشد که ازدواج زمان امکان پذیر است که هر کدام از ازدواج کننده ها حد اقل ۱۸ ساله باشند. برای زوج های قبلاً ازدواج کرده اند، که در آن زمان ازدواج شان حد اقل یکی از ایشان زیر سن ۱۸ سال بوده باشد، مقررات ذیل وجود دارد.

اگر حد اقل یک نفر در زمان ازدواج زیر ۱۶ سال بوده باشد، این ازدواج بصورت خود به خودی غیر قانونی محسوب میگردد. برای زوج های که مدت ها قبل ازدواج کرده اند مقررات میان زمانی و موقت وجود دارد.

یک زوج که در زمان ازدواج شان یکی از آنها حد اقل بین ۱۶ و ۱۸ سال عمر داشتند، پس این نکاح توسط یک تصمیم حقوقی لغو میگردد. از یک فسخ نکاح میتواند صرف نظر شود، در صورتیکه برای زوج یک مشکل بوجود بیاید و هرگاه همسر (مرد) زیر سن و همچنان همسر (زن) زیر سن در

جریان زمان بالغ شده باشد و ازدواج را تاییده کند.

در پاراگراف ۱۳۱۴ بند ۲ قانون مدنی تعریف شده است که ازدواج اجباری میتواند فسخ گردد. برای این کار در جریان یک سال باید درخواست گردد (پاراگراف ۱۳۱۷ بند ۱ قانون مدنی ۱).

این قانون مکمل مدنی در انترنت در صفحه ذیل قابل دسترس می باشد.

www.gesetze-im-internet.de/bgb/ (به زبان آلمانی)

www.gesetze-iminternet.de/englisch_bgb/ ,
index.html (به زبان انگلیسی)

جملات یا متن های حقوقی را همیشه نمی توان به آسانی فهمید. در صورت سوال و یا ابهام میتواند مفید و سود مند باشد تا با افراد مناسب بطور مثال: با خدمات اجتماعی امکان مشترک یا مراکز مشوره دهی در تماس شوید و بپرسید.

انحصار دولت در رابطه با خشونت در آلمان

یک ویژگی ساختار اجتماع « مدرن » ، در تفاوت با ساختار اجتماعات « سنتی » عبارت از انحصار دولت در رابطه با خشونت میباشد.

این « انحصار دولت در رابطه با خشونت » باید اطمینان حاصل کند که خشونت فقط به عهده دولت بوده و برای جلوگیری از خشونت و یا مجازات که خارج از انحصار دولت صورت میگیرد داخل اقدام گردد. بطور خلاصه گفته میشود، این چیزی است که اعتماد در جامعه را مشخص میسازد.

- فرض بر یک همزیستی (زندگی باهمی) عاری از خشونت
- انحصار دولت در رابطه با خشونت به عنوان یک نهاد، که این همزیستی عاری از خشونت را تا حد امکان تضمین می کند (و در جای که این همزیستی بخوبی انجام نمیگردد، بازگرداندن نظم و بصورت نمادین - از طریق مجازات) و نظریه مشترک اینکه این نوع از جامعه موفق هست، بدین معنی در جهت و مسیر آینده است تا خشونت را تا حد امکان کاهش دهد کمتر از خشونت کار گرفته شود.

بنابراین در آلمان یعنی تنها اقدامات علیه خشونت با حکم دولتی انجام میشود، با هدف اینکه از خشونت بیشتر جلوگیری گردد. این اقدامات مانند استفاده از دست بند ها (زولانه)، محرک ها، مواد های بی حس کننده ، دنده ها ، تفنگچه ها که به شدت کنترل شده اند. آنها میتوانند فقط به عنوان دفاع در مقابل یک تهدید برای جسم و زندگی مورد استفاده قرار گیرند. برعلاوه این اقدامات باید نسبی و مناسب باشند.

این به این معنی است که خشونت در مقابل قانون از طریق روش های « مذهبی » و یا « سنتی » توجیه نگردد (یعنی از نگاه مذهبی و سنتی روا دانسته نشود)

در صورت انجام خشونت توسط والدین در مقابل کودک شان باید اداره جوانان از طرف دولت از کودک محافظت کند. کارشناسان اداره رفاه جوانان (به عنوان مقام با صلاحیت) جهت نتیجه گیری، که آیا انکشاف صحی کودک در خانواده در معرض خطر است، آنها میتوانند والدین را به ارائه کمک در آموزش و پرورش کودک متعهد کنند.

در واقعات خطرناک ، آنها مجبور اند تا کودک را در خانه ای مخصوص کودکان بی سرپرست و یا در یک اقامتگاه نگهداری و جابجا کنند. همزمان به والدین نیز کمک میشود تا یک آموزش و پرورش عاری از خشونت را بیاموزند، تا اینکه آن کودک بتواند دوباره به آغوش خانواده برگردد.

۳. چرا خشونت وجود دارد؟

خشونت ساختاری

تقسیم قدرت در یک جامعه از قوانین و ساختارهای خاصی پیروی میکند، اگر قدرت متفاوت باشد، ازینرو گروه‌های خاص از اشخاص محروم میگردند، بطور مثال آنها اجازه کار کردن را ندارند و ازینرو پول بدست آورده نمیتوانند و یا بدین ترتیب آنها نمی‌توانند به مکتب بروند، آموزش ببینند، سپس این خشونت ساختاری گفته میشود. خشونت‌های ساختاری یک بی‌عدالتی را بیان میدارد. این در ضمن نیز خشونت را در سطوح مختلف نهادها و خانواده‌ها ترویج میدهد.

مثال:

اگر در یک جامعه تنها مردان اجازه کار را داشته باشند، و زنان تحت شرایط خاصی، پس دسترسی به پول و بدین ترتیب قدرت غیر عادلانه تقسیم میگردد. هرگاه مردان تنها در خانواده پول بدست بیاورند و یا مردان پول‌های کمکی دولتی دریافت کنند، همیشه قدرت مالی را بدست دارند. این مالکیت یا داشتن پول اغلباً اهمیت زیادی دارد و این وابستگی‌های را ایجاد میکند.

پس مرد میتواند مشخص بسازد که با پول چی میتواند خرید گردد. او میتواند خانم را بدین ترتیب زیر فشار قرار دهد تا کارهای خاصی را انجام دهد و یا مانع گردد که او زن اجناس مهم و نیازمندی‌های خود را بتواند بخرد.

خشونت میتواند هر فردی را، مثلاً پناهنده‌ها را مانند زنان، مردان و کودکان بومی صدمه بزند. در عین زمان هر شخص در شرایط خاص میتواند در مقابل دیگران از خشونت کار گیرد، زمانیکه شرایط و مقررات خاصی داده شده باشد. براینکه بدانیم چرا خشونت وجود دارد، مهم است تا خودمان به شرایط محیط اجتماعی نگاهی داشته باشیم. علاوه بر این میتواند دلایل برای اعمال خشونت آمیز نزد خود شخص وجود داشته باشد، بطور مثال حالات سترسزا و یا برخی بیماری‌های روانی انجام دادن خشونت را ترویج دهد.

قید و شرط اساسی اجتماعی – خشونت و قدرت

خشونت به هر نوع که باشد مربوط میشود به اعمال قدرت. قدرت خود را در روابط بین افراد و اشخاص نشان میدهد. بطور مثال: هرگاه یک شخص پول زیاد، دانش و تحصیلات زیاد، ارتباطات اجتماعی بیشتر، برتری فیزیکی، موقف بالا به منظور داشتن حقوق بیشتر در جامعه داشته باشد، در نتیجه میتواند بر دیگران نفوذ نیز داشته باشد و بدین ترتیب برآورده‌های و خواسته‌های شخصی خود را تحقق بخشد.

بدین ترتیب او میتواند منافع خود را بدست آورد و موقف قدرت خود را تقویت کند. این همواره با خشونت ارتباط دارد، بخاطر اینکه بدین ترتیب خواسته‌های شخصی دیگران را محدود میکند.

کودکان استفاده گردد، برای اجرای نظریات خود بصورت غیر قابل انعطاف و یا برای رفع نیازمندی های خود اطفال خود به قیمت جان کودکان بیردازند. رفتار مسئولانه نیز شامل استفاده پول برای پیشبرد زندگی میگردد، اینجا نیز منافع کودکان به صورت مناسب باید در نظر گرفته شود.

خشونت نهادی (سازمانی)

در داخل تأسیسات و یا نهاد ها قوانین خاصی وجود دارد، که تعیین میکند، چی کسی کدام حقوق را دارد. و همچنان اینجا یک عدم تعادل بالای قدرت وجود دارد، که توسط این مقررات مشخص شده است بطور مثال میان معلمین و شاگردان، بین کارمندان و رئیس ها و بین سرپرستان و کارکنان در اقامتگاه ها بین ساکنین

این قوانین میتواند مانع انجام کار های اشخاصی گردد که برایشان زیاد اهمیت دارد. بطور مثال غذای خود را آماده کنند. بدین منظور آنها در بدست آوردن خواسته هایشان محدود میشوند. ازینرو اینجا از خشونت نهادی صحبت میگردد. قدرت کارمندان در اقامتگاه ها نباید بصورت نادرست و برای منافع شخصی خود استفاده گردد.

خشونت ساختاری یعنی عدم تعادل در تقسیم قدرت به سطح جامعه. یک برخی از اعضای جامعه مثلاً زنان و دختران حقوق و یا امکانات کمتری دارند تا از خود دفاع کنند، زمانیکه این حقوق نقض گردد. در هیچ جامعه ای قدرت بطور مساویانه تقسیم نمی گردد. اما تفاوت های زیادی در میزان نابرابری قدرت وجود دارد. به هر اندازه که این تفاوت ها بزرگتر باشد، به همان اندازه خشونت های بوجود آمده از آن بیشتر و بزرگتر میباشد!

قدرت اساساً چیز منفی نیست، بلکه میتواند به معنی گرفتن مسئولیت برای یک شخص باشد. یک شخص که بالای شخص دیگر قدرت داشته باشد، باید با آن مسئولانه رفتار کند. والدین بالای اطفال خود قدرت دارند. و کودکان وابسته به آنها (والدین شان) هستند. والدین باید ازین قدرت استفاده کنند، تا ازین طریق آنها اطفال شان را در پرورش و آموزش بهتر حمایت کنند، با هدف اینکه آنها را قادر به زندگی مستقل سازند و بدون استفاده قدرت بالایشان زندگی خود را برنامه ریزی کنند، استفاده کنند. بنابراین این مهم است منحیت والدین به نیازمندی های کودکان توجه گردد، و به حیث یک شخص مستقل دیده شود و در تصمیم گیری که مربوط به کودکان میشود در نظر گرفته شوند. قدرت از جانب والدین نباید بالای

کدام اعتقادات خشونت را توجیه میکند؟

هر فرد میتواند قدرت را در جامعه، در تأسیسات و یا در چارچوب خانواده، بطور مثال میان جنس ها و یا بین گروه های مختلف قومی بکار ببرد، تا اعمال خشونت خود را توجیه کند، همچنان زمانیکه این به منافع اجتماع نه، بلکه به بخاطر منافع شخصی خودش کار کند. آنها خشونت خود را طوری به اثبات میرسانند که آنها به دلیل توانمندی یا قدرت، اساساً این حق را دارند تا از خشونت کار بگیرند.

موقف قدرت اغلب اوقات توسط تفسیر نوشته های مذهبی مربوطه و یا توسط آیدئولوژی های مختلف به شکل صحیح و غیر قابل تغییر تعیین میگردد. آیدئولوژی های خشونت آمیز شامل فرضیه های افراد سرشناس هستند، که تسلط دارند، تعیین میکنند، و قدرت را مانند خشونت اجازه دارند و یا حتی میبایست بکاربرند، تا افراد زیر دست «حفاظت»، «آموزش دوباره»، کنترل، «گرویدن»، درگیر جنگ و یا حتی بایست نابود گردد.

تفاوت در ارزش های بالا و ارزش های پائین به اساس آیدئولوژی بطور مثال به اساس جنسیت، یعنی بین مردان و زنان، به اساس مذهب و یا به اساس رنگ جلد یا قومیت تعیین میگردد. این تعریف اساساً خود سرانه است، زیرا هر شخص به خودش فوق العاده و منحصر به فرد است و ویژگی های خاصی را در خود دارا است. تقسیم بندی افراد یک جامعه به گروه ها با ارزش بالا و با

ارزش پائین از طریق یک ویژگی خاص فقط جهت تعدیل و اجرای قدرت و خشونت صورت میگیرد.

ایجاد تعادل قدرت

برای قربانیان این خشونت آیدئولوژیک اغلباً امکانات و گدینه های کم جهت مقابله وجود دارد. زیرا قدرتمندان در جامعه حقوق و قوانین را به خواست خودشان قرار میدهند. دربخشی ازین موارد قربانیان نیز تصور آیدئولوژیک را به عهده خود میگیرند، که خشونت انجام شده توسط آنها قانونی است، هرگاه آنها در یک محیط با چنین آیدئولوژی بزرگ شوند، و از خود دفاع نکنند. بدین ترتیب این شیوه خشونت حفظ و تقویت میگردد.

برای اینکه این روال تغییر کند و یک روش احترام متقابل و بتواند به بشریت ایجاد گردد، ازینرو مهمتر است که مردم قدرت خود را برای تعادل قدرت در سطح جامعه و بخصوص در بین افراد جامعه و در سطح خانواده بکار ببرند. چنین شیوه احترام متقابل و انسانیت منجر به از دست دادن فرصت ها، که نمایندگی از منافع خود شخص کند نمیکردد، بلکه فرصت های را فراهم میسازد که منافع همه از طریق بحث و گفتگو، و ازین طریق در تمام خانواده و یا جامعه تقویت و فراهم گردد.

خشونت های فرهنگی و مذهبی

خشونت ممکن خود را از طریق قوانین و مقررات مشخص شده رفتاری و ممنوعیت های فرهنگی، سنتی، و از طریق ارزش های فرهنگی و مذهبی که توجیه میشود آشکار سازد. در جوامع پدرسالارانه، یعنی در جوامع که مردان برتر از زنان است، قوانین سختگیرانه به خصوص برای زنان اعمال میگردد. زنان بطور مثال به نوعی محدود میشوند، چگونه لباس بپوشند، کجا بودوباش داشته باشند، بر علاوه کدام تماس های اجتماعی را داشته باشند. بر علاوه قوانین منع میکنند، بطور مثال که آنها خود را از خشونت زناشویی بتوانند محافظت کنند.

خشونت که علیه بخشی از جامعه، تأسیسات و یا علیه بخش از خانواده متوجه میگردد و هدفش کاهش خشونت نباشد، همواره بصورت کل به تمام جامعه، تأسیسات و یا خانواده به شدت آسیب میرساند. مطالعات نشان میدهد، که در سطح اجتماعی، بین میزان خشونت و فقر اقتصادی رابطه وجود دارد. خشونت در سطح خانواده اغلب برای متضرر پیامد های واضح شده در فصل ۱ را دارد. برای روابط در خانواده خشونت به این معنی است که توسط قدرت و تحت فشار قرار دادن مشخص میگردد. احترام، محبت و حمایت تنها در صورت میتواند وجود داشته باشد که آنها متقابل باشد.

آزار و اذیت های جنسی در بسیاری از امورات زندگی روزمره رخ میدهد.



تمام مردم در مقابل قابل قانون
یکسان هستند، زنان و کودکان مانند
مردان از حقوق مساوی برخوردار اند
و میتوانند خودشان تصمیم بگیرند.
قوانین و مذهب از هم جدا اند!

های اجتماعی مانند بی احترامی و یا محرومیت
اجتماعی (خارج کردن از اجتماع) تهدید کند.

در آلمان امکانات وجود دارد تا خود را محافظت
کرد، زمانیکه خطر چنین فشار های اجتماعی
شخص را تهدید کند. معلومات در مورد امکانات
و کمک ها در واقعات عاجل را شما میتوانید
از مراکز مشوره دهی و یا از نزد پولیس بدست
بیاورید. (فصل چهار: راه های بیرون رفت از
خشونت).

فرهنگ خشونت

در کشور ها یا مناطق که مردم در طول سال ها یا
دهه ها جنگ و یا جنگ های داخلی را متحمل
شدند، خشونت میتواند به بخشی از زندگی
روزمره آنها تبدیل شود. پس کودکان در یک
فرهنگ با خشونت بزرگ میشوند. و خشونت
را به عنوان یک رفتار نورمال برای حل و فصل
اختلافات و اجرای منافع میپذیرند. برای حل
اختلافات (نزاع) بطور مثال از طریق مذاکره،
وساطت و میانجگری، اینها باید در قدم نخست
آموخته شود.

اگر از این قوانین و ممنوعیت ها پیروی نگردد،
پس سنت ها، ارزش های فرهنگی و یا مذهبی
ایجاب مجازات را میکند. این میتواند بطور مثال
شامل: خارج شدن از جامعه یا اجتماع، ممنوعیت
خروج از خانه، قطع کردن اعضای بدن بلاخره
حتی مرگ باشد. این نوع مجازات اکثراً توسط
خانوده انجام میشود. یک مثال آن (قتل های
ناموسی) است. که مطابق به گذارش سالانه ملل
متحد بیشتر از ۵۰۰۰ خانم در سراسر جهان زندگی
خود را از دست میدهد.

این مجازات نمی تواند مانع خشونت های بعدی
گردد، بلکه باید از طریق شکنجه اطمینان حاصل
شود، که قوانین مراعات میگردد. در جوامع مرد
سالار نه تنها قوانین برای خانم ها بسیار سخت
است، بلکه مجازات و زیاده روی در قوانین ،
خانم ها را بیشتر متأثر میسازد.

توسط این قوانین همزمان یک اجبار یا
محدودیت های اجتماعی بوجود میآید تا مجازات
تطبیق و از خشونت استفاده گردد. یک شخص
رد میکند که مجازات را انجام دهد، سپس ممکن
است که خود او را مجازات و یا حد اقل پیامد

علت های روانی رفتار های خشونت آمیز

با توجه به هر فرد استرس های روانی و یا امراض روانی میتواند یک دلیل عمده برای افسردگی و یا برای رفتار های خشونت آمیز باشد.

فشار های روانی میتواند ناشی از تجربه های گذشته باشد، بطور مثال خود شخص خشونت را تجربه کرده باشد و یا به دلیل جنگ شرایط تهدید کننده زندگی را تجربه کرده باشد، آزار و اذیت و یا در جریان فرار. این ها میتوانند باعث بیخوابی، سردردی، درد های بطنی، و یا باعث افزایش حساسیت ها و پرخاشگری گردد. بعضی اوقات این نیز منجر به مصرف زیاد الکل یا دیگر مواد مخدر میگردد.

سپس یک مشکل فعلی به آن اضافه میگردد، بطور مثال انتظار طولانی و یا عدم اطمینان در روند پناهندگی، از طریق رد شدن درخواست پناهندگی، دیپورت، رد شدن درخواست پیوند خانواده، ترس در باره خانواده در وطن، اختلافات (منازعه) در اقامتگاه ها و یا از طریق تجربه نژاد پرستی، محرومیت از جامعه، پس به معنی یک سترس یا فشار روانی اعظم است، که میتواند منجر به از دست دادن کنترل و یک رفتار خشونت آمیز غیر عمدی گردد. این نوع خشونت از لحاظ احصایوی در حد بسیار پائین قرار دارد، اما میتواند در موارد خاص اتفاق بی افتد.

درین شرایط دشوار زمانیکه آدم با یک شخص مورد اعتماد بتواند در این مورد صحبت کند، اغلب کمک می کند. همچنان خدمات اجتماعی در اقامتگاه های عمومی ویا در مراکز مشوره دهی (به آدرس های تماس نگاه کنید) گفتگو های را پیشکش میکنند، تا بتوانند کمکی را انجام دهند یا آسایش را بوجود بیاورند.

امراض روانی

همچنان امراض روانی خاصی میتواند منجر به این شود که شخص در روابط بین فردی (میان انسانها) از خشونت کار گیرد.

به عنوان امراض روانی به خصوص نشانه های قوی از ویژگی ها و یا ویژگی های شخصیتی محسوب میگردد. بطور مثال: طرز فکر کردن، احساس کردن، درک و تنظیم محیط، رفتار با دیگران. این ویژگی های شخصیتی منجر به مشکلات زیاد برای خود شخص متضرر و یا دیگران میگردد. ازینرو این یک بیماری است، به این معنی که شخص متضرر نمی تواند آگاهانه افکار خود را، احساسات خود را و عکس العمل های خود را کنترل کند و یا بتواند تغییر دهد.

امراض روانی مختلف وجود دارد. نام های امراض، علایم مربوطه چنین بیماری ها در ICD-10 (طبقه بندی احصایوی بین المللی امراض و مشکلات صحتی مربوطه) تعریف شده است.

در کل غیر قابل کنترل، تغییرپذیر و بی ثبات تجربه میشود، چیزی که ایجاد ارتباطات پایدار و تماس با دیگران را بسیار دشوار میسازد. سترس درونی خود شخص میتواند آنقدر شدید گردد که افراد متضرر خودشانرا صدمه بزنند تا ازین طریق خود را تسکین بدهند. این بیماری میتواند منجر به این گردد که اشخاص آسیب دیده در این باره فکر کند تا زندگی خود را بگیرد (یعنی فکر خود کشی کند) و یا حتی خود را بکشند.

دومین نوع اختلال شخصیتی مربوط به خشونت به نام «اختلال شخصیتی ضد اجتماعی» یاد میگردد. مشخصه این بیماری این است که اشخاص مبتلا به این بیماری به رفتار تهاجمی و خشونت آمیز تمایل پیدا میکنند.

در میان بسیاری از انواع مختلف بیماری های روانی، دو نوع «اختلال شخصیت» وجود دارد، که میتواند تمایل زیاد را به خشونت افزایش دهد. از طرف دیگر این یک اختلال شخصیتی احساسی بی ثبات است. افراد مبتلا به چنین اختلال شخصیتی که از آن رنج میبرند در شرایط های مبرم در ارتباطات بین فردی، بطور مثال: منازعه، گوشه گیری و یا ناامیدی ها و یا بیان توقعات بطور بسیار حساس عکس العمل نشان میدهند.

آنها خود را سریع ذلیل و یا نا امید احساس میکنند و درونی پریشان و دلواپس هستند. در نتیجه آنها اغلبا به چنین شرایطی با تهمت بستن ها، خشم های غیر قابل کنترل، تجاوز و پرخاشگری در مقابل دیگران واکنش نشان میدهند و یا همچنان با تحقیر نفس و گوشه گیری. احساسات شان

هریک میتواند در ارتباطات با یکدیگر و بدون خشونت همکاری کند.



درمان روانی اگرچه بسیار مهم است تا مانع تجاوز جنسی در مقابل کودکان گردد و راه ها و روش های را دریابند که بتوانند با این اختلالات زندگی کند.

پیامد ها (عواقب) برای مجرم – آیا کسانی که از خشونت کار میگیرند مریض میشوند؟

یک بیماری روانی میتواند در بعضی موارد نه تنها علت خشونت باشد بلکه میتواند پیامد یا عواقب ناشی از خشونت انجام شده باشد.

گرچه نزد عساکر و یا اعضای گروه های تروریستی که هدفمندانه خشونت را انجام داده اند، ممکن است یک درگیری روان درونی بوجود بیآورد، زمانیکه آنها از بی قانونی اعمال یا فعالیت هایشان باخبر شوند. میتواند احساس گناه و یا احساس شرم نزد شان بوجود بیاید که همچنان ممکن است منجر به بیماری روانی بطور مثال: صدمه روانی، افسردگی گردد.

خشونت توسط اعضای خانواده، اغلب توسط پدران یا برادران صورت میگیرد تا نقض قوانین فرهنگی یا مذهبی را جبران کند، سپس «محافظة» اعتقاد به قانونی بودن عمل از احساس گناه و از یک بیماری روانی. اما نیز درین موارد میتواند تحقق در باره بی عدالتی منجر به پیامد های جدی روانی گردد.

زیرا آنها فایده خود را در پیش زمینه دارند و عواقب و پیامد های کار های آنها در مقابل دیگران انجام میدهند برایشان بیتفاوت است و آنها با دیگران هیچ همدلی ندارند. آنها مردمان دیگر را برای منافع خود استفاده میکنند. اشخاص متضرر اغلباً قانون شکن میشوند، بخاطر اینکه به آنها رعایت قوانین و مقررات اجتماعی بی تفاوت است. اشخاص متضرر در شخصیت شان اغلب به آسانی تحریک پذیر و خشونت گر اند.

یکی دیگر از اختلالات روانی که میتواند خشونت را ترویج دهد «میل مقاربت جنسی با کودکان» است. این «میل مقاربت جنسی با کودکان» به عنوان «اختلال ترجیح جنسی» طبقه بندی میشود. افراد مبتلا به این بیماری از نظر گرایش جنسی با کودکان (قبل از سن بلوغ) مجذوب میشوند. بدین معنی است، آنها نیازمندی های زیادی به فعالیت های جنسی با کودکان دارند. با این حال برای حفاظت از کودکان و به اساس قانون بطور کلی این کار در آلمان ممنوع است (به مبانی حقوقی و قوانین نگاه کنید). برای افراد مبتلا بدین معنی است که آنها نمی توانند نیازمندی های جنسی خود را ازین طریق برآورده سازند. در بعضی موارد افراد مبتلا به این بیماری نمیتوانند این نیازمندی را کنترل و یا سرکوب کنند و بلاخره منجر به خشونت های جنسی علیه کودکان میشود.

بیماری های روانی میتواند توسط روان درمانی (به فصل ۴ نگاه کنید راه بیرون رفت از خشونت) و سایر اقدامات معالجه و درمان گردد. در صورت پیروفتیل یا «میل مقاربت جنسی با کودکان» تا به حال امکانات معالجه و درمان وجود نداشت.

۴. راه های بیرون رفت از خشونت

توهین کنم و یا مجازات شان کنم؟ اگر چنین است، چرا من این کار را انجام میدهم؟ من به چی نیاز دارم، چی باید بکنم تا به کودکانم با احترام رفتار کنم؟

برای اینکه روش و رفتار های خود را تغییر داده بتوانیم، پیشکش های مدد رسانی حرفه ای مفید اند (قسمت پائین را نگاه کنید)

درخواست احترام

خشونت همانطور که در فصل ۲ و ۳ توضیح داده شده است، نیز به ارزش ها و رفتار های پذیرفته شده اجتماع و جوامع و همچنان به طرز استفاده قدرت بستگی دارد. اینها انجام خشونت را در مقابل کودکان و زنان ترویج میدهد. بدین معنی است که کاهش خشونت نیز باید درینجا آغاز شود.

چی کاری را میتوانم به عنوان یک فرد و یا به عنوان یک مرد انجام دهم؟ یک کمک بزرگ زمانی است که زندگی مشترک خودمان عاری از خشونت و مساوات و برابری باشد. این یک سرمشق بزرگ برای فرزندان مان و محیط اجتماعی آنهاست. به عبارت دیگر اثر بزرگ برای کودکان مان و محیط اجتماعی شان دارد. ترس ها و هشدار های احتمالی در مورد اینکه چی اتفاقی می افتد، زمانیکه شخص نقش خود را به عنوان «بزرگ خانواده» از دست بدهد، میتواند به عنوان تصمیم عمدی توسط این مرد نمایندگی

من در مقابل خشونت چی میتوانم انجام دهم؟

احترم کنید

هر انسان حق یک زندگی عاری از خشونت را دارد. برای اینکه خشونت را در زندگی مشترک و در خانواده کاهش بدهیم، یکبار دیگر مهم است تا رفتار های خود را هم بطور خود نکوهی (انتقاد از خود) ملاحظه یا تجدید نظر کنیم.

در ارتباط به زندگی مشترک میتواند مثال های ذیل کمک نماید. آیا من شریک زندگی خود را به عنوان یک مرد محدود میسازم؟ آیا بخش های وجود دارد که من حقوق کمتری را به او نسبت به خودم اعطا میکنم؟ آیا حالاتی وجود دارد که من همسرم را توهین کنم، بزخم یا به شکل دیگری از خشونت کار گیرم؟ آیا من با همسر زندگی ام رابطه جنسی دارم، زمانیکه او انرا نخواهد؟ اگر چنین است، پس چرا من این کار را انجام میدهم؟ من به چی نیاز دارم و یا چی کاری میتوانم بکنم تا با او به احترام و بدون خشونت رفتار کنم؟

در ارتباط به رفتار در مقابل کودکان تان میتواند این سوالات مهم باشند، بطور مثال:

آیا من به حق تعلیم و تربیه عاری از خشونت کودکانم احترام میگذارم؟ چگونه باید در مقابل حالات مناقشه و اختلافات برخورد کنم، راه حل را تعیین و اجرا میکنم و یا من آماده باشم که به خواست و آرزوی کودکانم پاسخ دهم؟ آیا حالات و شرایط وجود دارد که من کودکان خود را بزخم،

و تقدیم میگردد گرفته شود. علاوه بر آن این کمک مهم تر و مؤثرتر نیز در جامعه است تا خود مان نیز در جامعه یعنی بطور مثال در خانواده، با دوستان، در محل کار و یا در اقامتگاه های عمومی برای محیط بدون خشونت، و برخورد یا رفتار با احترام در مقابل خانم ها و کودکان آنرا تطبیق و عملی نمایم.

مثالها:

اگر کسی در گفتگوی بطور ناسزا و به بی احترامی در باره زنان صحبت کند، نباید در مقابلش سکوت اختیار گردد. باید به وضاحت گفته شود که شما خود باید به نوعی احترام قایل باشید برای اظهارات خود، باید به دیگران احترام گذاشت و ازینرو چنین حرف های را ننیزید.

زمانیکه یک وضعیت یا حالت مشاهده گردد، که در آن یک مرد یک زن را بی احترامی و یا بطور ناسزا همرایش برخورد یا رفتار میکنند، پس این مهم است که سکوت نکنیم و از جلوش رد شویم. این مرد باید از رفتار نادرست اش باید آگاه ساخته شود و به یک رفتار با احترام تشویق گردد.

از کجا میتوانم کمک بگیرم؟

کمک در واقعات عاجل

در واقعات خشونت حاد میتوانید به شماره رایگان ۱۱۰ تماس برقرار نمایید. پولیس مجبور است، عاجل بیاید، تا اینکه شخص متضرر را محافظت کند. در

یک فعالیت جرمی (فعالیت غیر قانونی) باید پولیس یک شکایت درج کند.

در واقعات خشونت خانگی پولیس میتواند شخص خشونت گر را به مدت ۴۸روز از رفتن به آپارتمان مشترک مانع شود. پولیس میتواند شخص خشونت گر را به طور موقت بازداشت کند، تا اینکه او را از رفتن به خانه جلوگیری کند.

پولیس درآلمان با انحصار دولت درمورد خشونت مکلف اند. پولیس ویا پولیس زن تنها در صورت اجازه دارند از خشونت کاربگیرند، بطور مثال که یک کس را تحت فشار بازداشت کنند، زمانی که او برای حفاظت امنیت دیگران، یا خود شخص، ضروری باشد ویا قانونی ثابت شده باشد. پولیس مرد ویا زن اجازه ندارند که به شکل خودسرانه رفتار کنند. هرنوع تحقیر ویا شکنجه در طی بازجویی ویا جریان بازداشت از نگاه قانونی ممنوع میباشد.

در بعضی موارد از خشونت، بطورمثال زمانی که مجرم به قربانی نزدیک میباشد ویا یک وابستگی موجود باشد، قربانی نميخواهد خودش (درابتدا) به پولیس مراجعه کند و همچنان شکایت درج کند، ویا به خودش مصئون نیست. تصمیم درین باره، که ایا وچی زمانی باید یک شکایت صورت گیرد مربوط به قربانی میباشد. ویا زمانیکه که مجرم خودش به پولیس مراجعه میکند، تا به این ترتیب از یک پیگرد قانونی پیروی کند ودرحد امکان به کاهش مجازات دسترسی پیدا کند.

فرصت های (امکانات) مشاوره

صرف نظر از درج یک شکایت جنایی و یا درجریان گذاشتن پولیس جا های متفاوت برای فرصت های مشوره وجود دارد.

اکثریت پیشکش های مشوره دهی رایگان هستند، بیشتر شان خدمات ترجمانی هم عرضه میکنند.

برای قربانی خشونت وهم چنان افراد خشونت گر در آلمان نظر به منطقه ومحل زندگی، جا های مختلف تخصصی مشاوره، دفترهای مشوره دهی ویا امکانات مشاوره تیلیفونی نیز وجود دارد. (به آدرس تماس ها نگاه کنید) این پیشکش های مشاوره میتوانند توسط افراد که خشونت تهدید شان میکنند ویا آنهاى که تحت فشار قرار دارند تا از خشونت کار گیرند استفاده میشود تا بتوانند بطور مثال آبرو و سربلندی خانواده را دوباره احیا کنند. دوستان ویا خویشاوندان نیز میتوانند مشوره دریافت کنند، اینکه آنها چگونه میتوانند یک شخص را کمک کنند، که از خشونت رنج میبرد ویا خشونت گر است.

بعضی خدمات مشوره دهی مخصوصا برای زنان ویا مخصوصا برای مردان ارایه میشود. پیشکش های مشاوره بیشتر برای زنان وجود دارد، زیرا آنها در آلمان اغلبا و بصورت جدی از خشونت متضرر هستند.

در درگیری ویا کشمکش های خانوادگی در فامیل همچنان مراکز مشاوره وجود دارد، که در آن زن وشوهر بصورت مشترک ویا تمام اعضای خانواده اشتراک کرده میتوانند (آدرس های تماس را نگاه کنید) اگر شما در یک اقامتگاه مشترک زندگی میکنید، شما میتوانید با حمایت خدمات سوسیالی یک ترجمان مناسب جستجو نماید ویا یک وقت ملاقات برای مشاوره تعیین کنید.

مشوره به این معنی است که با یک متخصص بطور مثال یک کارمند اجتماعی ویا متخصص روانشناسی، درمورد وضعیت خود صحبت میشود و مشترکا گزینه ها یا فرصت ها به منظور بهبود وضعیت جستجو میگردد. دریک گفتگوی مشاوره قضاوت در مورد شخص که کمک میخواهد نمیشود ویا قضاوت در مورد رفتار او ویا همچنان این یک بازجویی نیست، بلکه شخص که درخواست کمک میکند پذیرفته واحترام میشود، قسمی که او است. او تصمیم میگیرد همچنان چی چیزی را میخواهد در مصاحبه رویش صحبت کند ویا چیزی را نه. تصمیم این که، چگونه بعد از مشاوره با شرایط برخورد میشود، مربوط به خود شخص که درخواست کمک میکند میباشد.

مشاور مرد ویا مشاور زن موظف به حفظ محرمانیت و اسرار است، این به این معنی است که او آنچه را که مورد بحث قرار گرفته اجازه ندارد به شخص دیگر منتقل دهد. یک استثنا در مورد حفظ محرمانیت زمانی وجود دارد که وقتی مشاور مرد ویا مشاور زن مشاهده میکند که احتمالا یک طفل درخطر است ویا یک خطر حاد برای زندگی شخص که درخواست کمک کرده وجود دارد ویا برای شخص دیگر خطر ایجاد میگردد. وقتی شما درینجا مطمئن نیستید، شما در آغاز مشاوره پیروید، که در کدام بخش ها دقیقا محرمانیت در نظر گرفته نمیشود.

تداوی روانی

هفته یا چند ماه را دربرگیرد، قبل از اینکه یک جای جهت تداوی خالی گردد. برای جستجوی یک دکتر روان شناس و وضاحت در مورد هزینه های تداوی میتواند خدمات سوسیال (خدمات اجتماعی) در اقامتگاه ها و مراکز مشوره دهی کمک کنند.

یک رهنمود برای درخواست یک روان پزشک برای پناهندگان در اینترنت قابل دسترس است:

www.baff-zentren.org/wp-content/uploads/2017/03/BaFF_Arbeitshilfe_Therapiebeantragung.pdf

کورس ها برای آموزش و پرورش عاری خشونت

در بسیاری از محلات، کورس های در مورد اینکه چگونه کودکان را بدون انجام خشونت آموزش و پرورش دهیم پیشکش میشود. درینجا برای توسعه و نیازهای کودکان میانجی گری میشود، نحوه پاسخ مناسب در موقعیت های بحرانی و چگونگی برخورد با درگیری ها آرایه میشود. در عین زمان امکان تبادل افکار با دیگر والدین موجود میباشد.

بعضی از این کورس ها مخصوصاً برای والدین تجربه مهاجرت داشته باشند ارائه می شود (به آدرس های تماس مراجعه کنید).

با مریضی های روانی ویا آسیب های روحی، ویا با علایم مثل فشار، بی خوابی، پرخاشگری، نا امیدی ویا درد، که علت جسمی نداشته باشد، میتواند تداوی های روانی کمک کند.

در تداوی های روانی معالجه یا درمان در قالب گفتگو با روان درمانگر های مرد ویا زن ویا با روان شناس های مرد ویا زن صورت میگردد. بعضی اوقات همچنان تمرین های را انجام میدهند ویا تمرین ها به شکل وظایف خانگی داده میشود. یک روان درمانی میتواند تا دوسال طول بکشد.

در یک مکالمه یا گفتگوی روان درمانی، سوال های متعدد از درخواست کننده کمک پرسیده میشود. درینجا این سوالات درباره یک سروی نیست، بلکه در مورد اینست که تا از وضعیت بهتر بدانیم و به یک تشخیص درست دست بیابیم. فقط اینگونه میتواند مراحل برای یک تداوی مناسب ایجاد گردد. همچنان وقتی که کسی مطمئن نیست، آیا یک مریض روانی در حقیقت وجود دارد، میتواند از اولین گفتگو جهت وضاحت استفاده شود.

روان پزشکان زن ویا مرد و روان شناسان مرد ویا زن، مانند ترجمانان زن و مرد مجبور به حفظ محریمیت هستند.

در برخی از اقامتگاه های عمومی، گفتگوهای روان درمانی مستقیم در محل اقامت ارائه و پیشکش میشود. نظر به منطقه میتواند از تداوی روانی ویژه برای پناهندگان استفاده گردد (آدرس های تماس را نگاه کنید) همچنین مدت انتظار میتواند چند

اختلال شخصیت اجتناب پذیر

بیماری روانی که توسط حساسیت های بیش از حد در مقابل محروم شدن و رد شدن توسط دیگران، مثلاً از طریق اختلافات یا تنش های داخلی، که آرزوی قوی برای نزدیک شدن بین افراد بدلیل ترس زیادی از محروم شدن نمیتواند برآورده شود متمایز میگردد.

شکایت / شکایت جرمی

اطلاع دادن یک عمل جرمی ممکنه به پولیس و یا دادستان با هدف براین که این عمل مجازات گردد و جریمه پرداخت گردد. یک شکایت جرمی میتواند توسط هر کس صورت گیرد که او یک عمل جنایی ممکن را تجربه کرده باشد. شکایت رایگان است. هنگام درج یک شکایت مقامات مربوطه مجبور هستند، که میانجی گری کنند و در صورت امکان حقیقت های ممکنه را واضح سازند.

مراکز مشوره دهی

تأسیسات که آنها برای خواسته ها و مشکلات های مختلف کمک و همکاری میکنند. این مشوره میتواند در یک مکالمه یا گفتگو شخصی، و همچنان گاهی اوقات نیز با تیلیفون یا ایمیل و یا چت انجام شود.

مرزی (=اختلال شخصیت احساس ناپایدار)

بیماری روانی است، که شخصیت انسان را تحت تاثیر قرار میدهد، کسانی که تجربه تغییرات خلق خوی سریع و شدید را تجربه میکنند واکثراً بطور نا ثابت رفتار میکنند. در ساختن روابط پایدار بین انسان ها مشکلات دارند و از درون خود را خالی احساس میکنند.

قانون مدنی (BGB)

شامل قوانین عمومی حقوق شخصی میباشد، یعنی روابط حقوق شهروندان در آلمان است. محتویات نیز شامل حقوق خانواده با مقررات قانونی در مورد ازدواج و طلاق و در مورد مراقبت والدین میباشد. قانون مکمل مدنی در انترنت تحت آدرس ذیل قابل دسترس است.

www.gesetze-im-internet.de/bgb (به زبان آلمانی) و

www.gesetze-im-internet.de/english_bgb/index.html

(به زبان انگلیسی).

<p>بیماری روانی است، که دران علایم بخصوص غم واندوه طولانی، عدم علاقه، احساس گناه و اعتماد به نفس پائین، تشوشات خواب، خستگی واز دست دادن اشتها موجود میباشد. شخص متضرر دچار مشکلات در رفتن به کار، یاد گیری ویا دچار درگیری در زندگی روزمره میشوند.</p>	<p>افسردگی</p>
<p>وضعیت حالت فقدان به چیزها یا تحریک های که برای رضایت از نیازهای مهم ضروری است</p>	<p>محرومیت</p>
<p>اختلال عملکرد</p>	<p>اختلال عملکرد یا اختلال وظیفوی</p>
<p>کلیه افرادی که تحت شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باهم زندگی می کنند.</p>	<p>نظام اجتماعی یا اجتماع</p>
<p>قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان، شامل سیستم حکومتی و تصمیمات ارزشمند است و بالاتر از سایر قوانین وضع شده دیگر در آلمان قرار دارد.</p> <p>قانون اساسی مکمل را میتوان در انترنیت مشاهده کرد. www.bundestag.de/grundgesetz (به زبان آلمانی)</p> <p>ترجمه قانون اساسی به زبان های عربی، چینی، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، فارسی، پولندی، روسی، صربی، اسپانیایی، و ترکی در صفحه انترنیتی ذیل بطور مثال : صفحه انترنیتی بامف قابل دسترس میباشد.</p> <p>www.bamf.de/SharedDocs/Anlagen/DE/Publikationen/Broschueren/das-grundgesetz.html</p>	<p>قانون اساسی</p>
<p>بخشی از وظایف مهم ادارات محلی (شهرداری) مشوره دهی، حمایت قانونی از والدین و سرپرستان، کمک در آموزش و پرورش و تضمین حفاظت از کودکان و نوجوانان به اساس شرایط قانونی میباشد.</p>	<p>دفتر رفاه جوانان</p>
<p>یک قسمت از اندام تناسلی زنانه است، که برای میل جنسی، یک عضو (اندام) مهم میباشد.</p>	<p>چوپوله (یک قسمت اندام تناسلی زن)</p>
<p>نیروهای مسلح، که فقط بعد از مدت کوتاه آموزش آماده خدمت و یا فقط زمانی که مورد نیاز هستند آماده و تنظیم میشوند.</p>	<p>ملیشه های نظامی</p>

در یک گروه یا جامعه توقع رایج در مورد نحوه رفتار انسان ها یعنی اینکه در شرایط خاص انسان ها چگونه باید رفتار کنند، وجود دارد.	استندرد یا معیار های قانونی
در ارتباط به بدن	جمسی یا فیزیکی
شامل زندگی عاطفی، تفکر و رفتار فرد است	روان
متخصص مرد یا زن (داکتر آموزش دیده) برای تشخیص پزشکی، تداوی و تحقیقات اختلالات روانی، تداوی روانی ارایه میکنند و میتوانند دارو تجویز کنند.	روانپزشک مرد / روانپزشک زن
پزشک مرد / زن ، روانشناس مرد یا زن یا معلم مرد یا زن با آموزش های مسلکی، روان درمانی را پیشکش میکنند.	روانشناس مرد وروانشناس زن
درمان امراض یا بیماری های روانی به اساس یافته ها و روش های روانشناختی اغلبا به شکل گفتگو	درمان امراض روانی
حفظ راز داری و محرمانیت	راز داری یا محرمانیت
ارتباط میگیرد به روابط بین افرادی یک فرد در داخل جامعه ویا در محیط اطرافش	اجتماع
شامل حقوق اجتماعی ارزشمند درآلمان ، قوانین کمک های دولتی، وخدمات حمایتی، برای اینکه یک زندگی انسانی تحقق یابد، اگر این کار توسط خودشان امکان پذیر نباشد ،مثلا در زمینه رفاه کودکان ونوجوانان ، ارتقای شغل ویا کمک های اجتماعی شامل جرائم جنایی در آلمان و پیامدهای قانونی آنها میباشد	قانون اجتماعی (SGB)
قانون جزای کامل در اینترنت درلینک پائین قابل دسترس است (به زبان آلمانی) www.gesetze-im-internet.de/stgb/index.html www.gesetze-im-internet.de/englisch_stgb/index.html (به زبان انگلیسی)	قانون مجازات
یک آسیب روانی عمیق ناشی از یک رویداد بسیار تهدید کننده که فرد قادر به مقابله با آن نیست و بنابراین در درازمدت بیمار روانی را بوجود میآورد.	ضربه (آسیب روانی)

آدرس های تماس انتخاب شده

محل تماس و مشاوره برای مجرمان خشونتگر. تماس تلفونی برای مصاحبه با یک روانشناس. توسعه اقدام غیر خشونت آمیز مانند کار های گروهی و قابوی.

Beratung für Männer gegen Gewalt

مشوره برای مردان در برابر خشونت
Tieckstraße 41 · 10115 Berlin
Tel. 030 785 982 5

www.volkssolidaritaet.de/berliner-volkssolidaritaet/beratung-hilfe/beratung-fuer-maenner-gegen-gewalt/

مرکز برای آموزش استراتژی رفتارگری جایگزین در برابر انجام خشونت. پیشکش برای گروه های آموزشی، تمرینات، بازتاب های گروهی مانند اجرای شرایط خاص اختلافات یا درگیری

Berliner Zentrum für Gewaltprävention

مرکز برلین برای جلوگیری از خشونت
(BZfG e.V.)

Hohenzollernring 106 · 13585 Berlin

نهاد اجتماعی آزاد برای جوانان و کارمردان. تأسیسات برای کمک به نوجوانان، مشاوره و عرضه ترینینگ ها در موارد خشونت خانگی و کار بر ضد خشونت متجاوزین یا خشونتگران

Männernetzwerk Dresden e. V.

شکبه مردان دُرسدن. نهاد راجستر شده
Schwepnitzer Straße 10
10197 Dresden

Tel. 0351 810 434 3

www.escape-dresden.de

یک مرکز حفاظت از قربانیان که خدمات آن به افراد متهم و مجرمان خشونت فیزیکی و جنسی ارائه میگردد. ارائه خدمات مشوره دهی و نیز از طریق اینترنت.

Fachstelle für Gewaltprävention

دفتر یا مرکز جلوگیری از خشونت

Herdentorsteinweg 37 · 28195 Bremen

Tel. 0421 794 256 7

www.fgp-bremen.de

مرکز مشوره دهی برای خود گزارش دادن و افرادی که توسط قوه قضائیه یا سایر سازمان ها تعیین شده اند.

Hamburger Gewaltschutz-Zentrum

مرکز حفاظت از خشونت هامبورگ

Altonaer Straße 65 · 20357 Hamburg

Tel. 040 280 039 50

www.hamburgergewaltschutzzentrum.de

دفتر جلوگیری از خشونت و مداخله. مشوره و تداوی برای مردان
گماشته شده و غیر گماشته شده توسط دادگاه، آموزش ضد خشونت و
دخالت بحران در موارد خشونت.

Jedermann e. V.
هرمرد. نهاد راجستر شده
Lutherstraße 15 – 17 · 68169 Mannheim
Tel. 0621 410 73 72
www.jeder-mann.de

نهاد غیر انتفاعی که با شرایط زندگی پسران، نوجوانان و مردان و
محیط اجتماعی آنها مصروف فعالیت است و کار خود متعهد است.
مشاوره در کار قربانی و مجرم.

Männerbüro Hannover e. V.
دفتر مردان هانوفر. نهاد راجستر شده
Ilse-Ter-Meer-Weg 7 · 30449 Hannover
Tel. 0511 123 589 10
www.maennerbüro-hannover.de

مرکز مشوره دهی و ابتکار کمک خودی برای مردان. پیشنهادات
خودآموزی و گروپ های خود آگاهی مردان با هدف ارتقاء اعتماد به
نفس مثبت در مردان.

Münchner Informationszentrum für Männer
مرکز معلومات برای مردان مونشن (MIM)
Feldmochinger Straße 6 · 80992 München
Tel. 089 543 955 6
www.maennerzentrum.de

Projekt STOP-Training

پروژه آموزش ستاپ
Neue Kasseler Straße 3 · 35037 Marburg
Tel. 06421 307 807 4
www.juko-marburg.de

محل تماس برای اطلاعات، مشاوره و آموزش در مورد خشونت
خانگی، خشونت خیابانی و خشونت نوجوانان.

Sozialberatung Stuttgart e. V.
– Fachstelle Gewaltprävention
مرکز مشوره دهی اجتماعی شتوتگارد. نهاد راجستر شده
Charlottenstraße 42 · 70182 Stuttgart
Tel. 0711 945 585 310

نهاد برای ایجاد خدمات سرایا برای کمک به نوجوانان و جوانان که
متخلف شده اند.

Verein Kinder- und Jugendhilfe e. V. TAET HG
انجمن کمک به کودکان و جوانان . نهاد راجستر شده تی اه
ای تی آه گی (TAET HG)
Mainzer Landstraße 625
65933 Frankfurt
Tel. 069 384 729
www.vkjhf Frankfurt.de

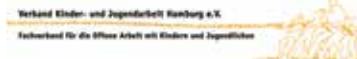
حفاظت و امنیت از خشونت

رهنمود برای پناهندگان و مهاجرین تازه وارد

این رهنمود حاوی معلومات درباره موضوع حفاظت در برابر خشونت در آلمان میباشد و به پناهندگان و مهاجرین تازه وارد در آلمان تعلق میگیرد. با این حال، ما می خواهیم به شما موضوع گسترده را به معرفی بگیریم. ما به شما معلومات در مورد حقوق تان، پیشنهادات کمک و قوانین در جهت حفاظت از خشونت ارائه می دهیم.

- علت، اشکال و پیامدهای خشونت
- تغییر در نگرش نسبت به خشونت
- آدرس های کمک رسانی برای کسانی که متضرر شده اند و بستگان
- چه کسی در برابر خشونت محافظت می کند - و چگونه؟
- راه های بیرون رفت از خشونت

این رهنمود در چارچوب پروژه می می - جلوگیری از خشونت با مهاجرین برای مهاجرین ایجاد شده. فرمایشات از طریق وب سایت ذیل ممکن است: «www.mimi-gegen-gewalt.de» و «www.mimi-bestellportal.de»



“ این رهنمود تقدیم گردید توسط: